

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مروارید عفاف

## کاوشی در حیا، غیرت و حجاب

سیدحسین اسحاقی

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما



---

مروارید عفاف: کاوشی در حیا، غیرت و حجاب

کد: ۱۱۴۶

---

نویسنده: سیدحسین اسحاقی

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

با همکاری دفتر امور زنان و خانواده سازمان صدا و سیما

ویراستار: محمدصادق دهقان

صفحه‌آرا: اکرم سادات بنی‌زهرآ

چاپ: نگارش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۶

شمارگان: ۴۰۰۰

بهاء: ۷۰۰۰ ریال

---

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email:IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

## فهرست مطالب

فهرست مطالب	۳
دباجه	۱
پیش‌گفتار	۳
فصل اول: بایسته‌های پوشش و عوامل بی‌حجابی	۷
پرهیز از تحریک مردان	۸
تأثیر حیا، بر پوشش بانوان	۹
۱. ضعف ایمان	۱۱
۲. هوس‌رانی	۱۲
۳. جلب توجه دیگران	۱۲
۴. دگر آزاری	۱۲
۵. غرب‌زدگی	۱۳
۶. پل زدن به ازدواج	۱۳
۷. فخر‌فروشی	۱۴
۸. تبلیغات استعماری	۱۴
۹. وسوسه‌های شیطانی	۱۵
۱۰. سرزنش دیگران	۱۶

۱۱. مدگرایی ..... ۱۶
۱۲. ضعف غیرت ..... ۱۷
۱۳. عدم نظارت سیاست گذاران فرهنگی ..... ۱۷
۱۴. خانواده سهل انگار ..... ۱۸
۱۵. ضعف حیا ..... ۱۸
- فصل دوم: تأثیر حیا بر پوشش بانوان ..... ۲۰
- مفهوم شناسی حیا ..... ۲۰
- ضرورت حیا برای بانوان ..... ۲۱
- آثار و فواید حیا ..... ۲۲
۱. پاک دامنی ..... ۲۲
۲. سلامت روان ..... ۲۳
۳. حفظ شخصیت آدمی ..... ۲۳
۴. ادب ..... ۲۳
- عوامل تضعیف حیا ..... ۲۵
۱. بی توجهی نسبت به حیا ..... ۲۵
۲. بی حیایی والدین ..... ۲۵
۳. رسانه های جمعی ..... ۲۵
- ارتباط پوشش و حیا ..... ۲۷

- فصل سوم: ضرورت‌ها و بایسته‌های غیرتمداری ..... ۳۰
- معنای غیرت ..... ۳۰
- غیرت؛ یکی از جلوه‌های مردانگی ..... ۳۱
- غیرت اجتماعی ..... ۳۲
- میان‌روی در غیرت ..... ۳۳
- وظیفه مسلمانان در پاسداری از زنان و دختران ..... ۳۴
- غیرت‌مداری در روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام ..... ۳۵
- اقسام غیرت ..... ۳۸
- الف) غیرت در دین ..... ۳۸
- ب) غیرت نسبت به نوامیس (فرزندان و خویشان و هم‌کیشان) ..... ۳۸
- ج) غیرت در مال ..... ۴۲
- فصل چهارم: عوامل مؤثر در سست شدن فرهنگ حجاب و پی‌آمدهای آن ..... ۴۳
۱. تبیین نشدن فرهنگ ناب اسلامی ..... ۴۵
۲. تبیین نشدن فرهنگ حجاب در جامعه ..... ۴۵
۳. بالا رفتن سن ازدواج ..... ۴۶
۴. نبود ساختار صحیح برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر ..... ۴۶
۵. کاستی در معرفی الگوها ..... ۴۷
۶. کم‌رنگ شدن نقش خانواده‌ها ..... ۴۹

۷. تلاش ناکافی در ایجاد محیط سالم اجتماعی ..... ۵۰
۸. ناآشنایی با فلسفه حجاب ..... ۵۱
- مهم ترین آسیب ها و پی آمدهای بی حجابی ..... ۵۲
۱. عقده مند کردن مردان ..... ۵۲
۲. سقوط شخصیت زنان ..... ۵۲
۳. تزلزل خانواده ها ..... ۵۲
۴. بلوغ زودرس جنسی ..... ۵۲
۵. بدآموزی ..... ۵۳
- فصل پنجم: بایسته ها و راه کارهای ترویج فرهنگ حجاب ..... ۵۴
۱. آموزش حجاب در مدارس ..... ۵۴
۲. تشویق ..... ۵۴
۳. فعالیتهای علمی، فرهنگی و هنری ..... ۵۵
۴. تقویت فرهنگ غیرت ..... ۵۵
۵. نظارت بر رسانه های جمعی ..... ۵۶
۶. فعالیت قوای سه گانه ..... ۵۶
۷. احیای امر به معروف و نهی از منکر ..... ۵۷
۸. معرفی پوشش های متناسب ..... ۵۷
۹. تقویت باورهای دینی با احیای فرهنگ ناب اسلامی ..... ۵۷

۱۰. باطن گرایی و سیرت گرایی به جای صورت گرایی ..... ۵۸
۱۱. معرفی و شناساندن الگوهای زن مسلمان ..... ۵۹
۱۲. توجه دادن به مسئولیت انسان در برابر اعمال خویش ..... ۶۲
۱۳. بازنمایی مصونیت‌ها و فواید حجاب ..... ۶۴
- فصل ششم: سخنی با زنان و دختران مسلمان ..... ۶۷
۱. نحوه سخن گفتن ..... ۶۷
۲. لباس زن در خارج از منزل ..... ۶۸
۳. کفش زنان مسلمان ..... ۷۰
۴. پاسداری از دیدگان خود و نگاه دیگران ..... ۷۱
- فرجام سخن ..... ۷۳
- فهرست منابع ..... ۷۶

## دیباچه

بی تردید، عقاید مردم، شالوده، بنیان، زیرساخت‌های اجتماعی و در پی آن عامل شکل‌گیری فرهنگ جوامع است که در قالب‌های گوناگون بروز و ظهور اجتماعی می‌یابد. در این میان فرهنگ عفاف و حجاب نیز متأثر از این رویکرد است که به شکل فعلی نمود عملی یافته است.

صاحبان رسانه و وسایل ارتباط جمعی، بیشترین توان و ابزار را در اختیار دارند تا با تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در این حوزه، وارد عمل شوند. اینک که امپریالیسم غرب با هجمه گسترده خود، از راه‌های گوناگون، عناصر غیرفرهنگی و ضد دینی را به اذهان خام تزریق می‌کند، رسانه‌های فرهنگی به ویژه رسانه ملی، می‌تواند با هماهنگی و برنامه‌ریزی و هم‌سویی سیاست‌ها و تولیدات رسانه‌ای، به شکلی شایسته به مقابله با انحطاط اذهان عمومی به ویژه در زمینه عفاف پردازد و هدایت فکری جامعه را به دست گیرد.

از این رو، دست اندرکاران امور فرهنگی باید در برنامه‌ریزی‌های خود بیش از هر چیز، به شناخت ضرورت حفظ عفاف و حجاب توجه‌ای ویژه داشته باشند؛ زیرا رعایت حجاب به عنوان یک پوشش ظاهری و عفاف، به عنوان جمال باطنی، برای حفظ و صیانت گوهر وجودی فرد و به عنوان یک حکم الهی، ضروری است و بدیهی است سلامت اجتماع و خانواده، با رعایت و حفظ حریم‌های دینی، ارتباط مستقیم دارد.



بر مبنای این اصل، دفتر امور زنان و خانواده، وظیفه خود می‌داند با تکیه بر پشتوانه اعتقادی و بهره‌مندی برنامه‌سازان محترم و اهتمام ویژه آنان به این امر، با سفارش و همکاری در تهیه این نوشتار، تأکید بیشتری بر نقش مؤثر و مهم برنامه‌سازان ارجمند رسانه داشته باشد. همچنین به تبیین چگونگی عفاف و حجاب در امر برنامه‌سازی و حفظ حدود و مرزهای عفاف و حجاب و تأثیر مثبت این مهم بر افکار مخاطبان پردازد. افزون بر این، برخی آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و خانوادگی و بحران‌های ناشی از چشم‌پوشی از این نماد عزت و سرافرازی را بیان دارد. امید است که از آن بهره‌وافی برده شود.

#### **دفتر امور زنان و خانواده**

سازمان صدا و سیما

## پیش‌گفتار

از دیدگاه اسلام، زن شخصیتی شایسته و رسالتی الهی دارد که می‌تواند با پیمودن مدارج کمال، به مراتب عالی انسانیت بار یابد و مصداق تحقق فلسفه خلقت؛ یعنی جانشینی خدا گردد. زن، مربی بشر است و می‌تواند با تربیت فرزند صالح، امتی را از گمراهی‌های رهایی بخشد.

جایگاه والای زن می‌طلبد که این گوهر آفرینش در صدف حجاب قرار گیرد تا ارزش‌های انسانی‌اش محفوظ بماند. فلسفه‌نگهبانی و پوشش‌اشیا، ارزش آنهاست و هر قدر افزایش یابد، درصد محافظت از آنها بیشتر می‌شود. حجاب، خیمه عفاف بانوان است و ایمان به خدا و ترس از آخرت از مهم‌ترین پایه‌های حجاب به‌شمار می‌روند. وقتی زن به علم و حکمت خدای تعالی ایمان بیاورد و پذیرد احکامی که برای انسان تشریح شده است، آثار مثبتی دارند، از حکم الهی درباره حجاب استقبال می‌کند. شناخت آثار زیان‌بار خودنمایی زن، مکمل آگاهی‌هایی است که از آن سخن خواهیم گفت.

پوشیدگی زن، نماد تقوای اوست. وقتی زن، تقوای جنسی را رعایت کند و خود را بپوشاند، وعده‌های الهی درباره پرهیزکاران، درباره او نیز محقق می‌شود. غلبه بر هواهای نفسانی و چشم‌پوشی از لذت‌های حرام، به انسان، هیبت و وقار می‌بخشد. به‌صورت ناخودآگاه، برخورد مردان با زنانی که پوشش نامناسبی دارند، برخوردی شهوانی و ابزار است، ولی برخوردشان با زنان پوشیده،

برخوردی همراه با احترام و تکریم قلبی است. نوع پوشش زن، معرف شخصیت عقیف یا هوس‌انگیز اوست که موضع‌گیری مرد را در برابر او مشخص می‌کند. در حقیقت، حجاب زن، جهاد اکبر اوست.

امنیت و آرامش خاطر نیز از آثار حجاب اسلامی است. انسان در پناه محافظت، احساس آرامش بیشتری دارد. پوشش اسلامی نیز نگرهبان زن است و به زن آرامش می‌بخشد. هرچه این پوشش کامل‌تر شود، درصد امنیت و حفاظت زنان بالاتر می‌رود. سختی حجاب، حق بیمه‌ای است که زن، برای تأمین سلامت خود می‌پردازد؛ زیرا پوشش، مانع نفوذ هوای نفس و نگاه‌های آلوده و افکار فاسد به حریم پاک زنان می‌گردد و زیبایی‌ها و ظرافت‌های جسمانی آنان را نیز از گزند سرما، گرما و آلودگی‌های هوا حفظ می‌کند.

پوشش، سدّی بزرگ در برابر تهاجم فرهنگی غرب است. اگر قلعه مستحکم حجاب زن مسلمان، فتح شود، راه بردگی جامعه اسلامی هموار می‌گردد. در حقیقت، حجاب دینی، پادزهر تهاجم فرهنگی غرب است. همچنین، پوشش زنان در کاهش مفاسد اجتماعی نقش مؤثری دارد. زن و مرد همانند دو سیم برق هستند که نبود عایق میان آنها آتش بی‌عفتی را شعله‌ور می‌سازد و ارزش‌ها را می‌سوزاند. تا وقتی بانوان، خود را از دید چشم‌های حریص مردان می‌پوشانند، دریای نفس آنها آرام است، ولی وقتی به جلوه‌گری دست می‌زنند، اضطراب روحی و نابسامانی روانی خود و برای مردان فراهم می‌آورند.

حجاب، ارزشی است که رعایت آن، زنان را چون گوهری در درون صدف از شر آسیب‌ها مصون می‌دارد. کسانی که از توجه به شخصیت حقیقی و باطنی و کمالات روحی خود غفلت می‌ورزند، به تدریج، زمینه لازم را برای انحطاط و

ابتدال خود فراهم می‌سازند.

خودنمایی و خودآرایی در صحنه اجتماع، به شخصیت ارزشمند زن آسیب وارد می‌سازد. با وقار بودن دختر و رعایت کردن حریم میان محرم و نامحرم به او اصالت می‌بخشد و او را در دیدگان همه بزرگ و محترم می‌گرداند. در آموزه‌های اسلامی و روایت‌های اهل بیت علیهم السلام، به ارزش و اهمیت عفت و پاک‌دامنی، بسیار تأکید شده است، چنان‌که در حدیثی می‌خوانیم: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ؛ پاک‌دامنی، بهترین عبادت است.»<sup>۱</sup> امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرٍ مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ.<sup>۲</sup>

اجر رزمنده شهید راه خدا، بالاتر از اجر کسی نیست که قدرت، بر خلاف عفت داشته، ولی عفت خود را حفظ کرده است. به حقیقت که فرد عقیف، نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان باشد.

همچنین در روایات اسلامی در این باره آمده است:

أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ رَجُلٌ عَفِيفٌ مَتَعَفَّفُ دُونَ عِبَادَةٍ.<sup>۳</sup>

نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود، فرد عقیف پاک‌دامن و اهل عبادت بوده است.

عفت و پاک‌دامنی، پی‌آمد نیکوی تقوای الهی و مایه ارزش معنوی و قرب خداوندی است که در هر جامعه‌ای نشانه شخصیت و عامل سعادت و مایه منزلت اجتماعی است.

۱. کافی، ج ۲، ص ۷۹.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴.

۳. بحارالانوار، ح ۷۱، ص ۲۷۳.

در پایان از رهنمودهای ارزنده سرکار خانم سلیحی و کارشناسی شایسته سرکار خانم زندگی سپاس گزارم. امید که این اثر روزی به کارمان آید که «لایف‌مال و لابنون الامن اتی الله بقلب سلیم».

## فصل اول: بایسته‌های پوشش و عوامل بی‌حجابی

انسان در پناه محافظ، احساس آرامش می‌کند. پوشش اسلامی نیز نگهبان زن است و به او امنیت و آرامش می‌بخشد. پس هر چه این پوشش کامل‌تر شود، درصد امنیت و حفاظت زنان بالاتر می‌رود. زحمت حجاب، حق بیمه‌ای است که زن برای تأمین سلامت خود می‌پردازد؛ زیرا حجاب، مانع جریان یافتن هوای نفس و نگاه‌های آلوده و فسادآمیز، به حریم پاک زنان می‌شود. پوشش، سدّی بزرگ در برابر تهاجم فرهنگ غرب است. جایگاه والای زن می‌طلبد که این گوهر آفرینش، در صدف حجاب قرار گیرد تا ارزش‌های انسانی‌اش در امان بماند. فلسفه نگهبانی و پوشش اشیا، ارزش آنهاست و هر قدر این ارزش بالاتر باشد، نسبت نگه‌داری آنها نیز بیشتر می‌شود.

پوشیدگی زن، نماد پرهیزکاری اوست. وقتی زن تقوای جنسی را رعایت کند و خود را بپوشاند، وعده‌های الهی که برای پرهیزکاران داده شده است، درباره او نیز محقق می‌شود. در واقع، چیرگی بر هواهای نفسانی و چشم‌پوشی از لذت‌های حرام، به انسان هیبت و وقار می‌بخشد. به صورت ناخودآگاه، برخورد مردان با زنانی که پوشش ناقصی دارند، برخوردی شهوانی و ابزاری است، ولی برخوردشان با زنان پوشیده و با حجاب اسلامی، برخوردی همراه با احترام و تکریم قلبی است.

نوع پوشش زن، معرف شخصیت عقیف یا هوس‌انگیز اوست که

موضع گیری مرد را در برابر او مشخص می کند. تا وقتی بانوان، خود را از دید چشم های حریص مردان می پوشانند، دریای نفس آنها آرام است، ولی وقتی به جلوه گری دست می زنند، تلاطم روحی و نابسامانی روانی را برای مردان فراهم می آورند.

## پرهیز از تحریک مردان

خداوند در آیه ای از قرآن مجید، حکم و حکمت حجاب را چنین بیان می کند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. (احزاب: ۵۹)

ای پیامبر! به زنان و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که روسری های بلند خود را بر خویش فروافکنند که این کار برای اینکه آنها (به عفت) شناخته شوند تا از تعریض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند، بسیار بهتر است و خدا در حق خلق، آمرزنده و مهربان است.

حفظ پاک دامنی، منحصر به پوشش نیست، بلکه زن باید از هر گونه رفتاری که سبب تحریک و طمع ورزی هوس رانان می شود، به شدت پرهیزد. برای نمونه، خداوند حتی نرمش در سخن گفتن را که سبب تحریک و گناه است، نفی می کند. همچنین خداوند در قرآن، «تبرج»؛ یعنی آرایش برای خودنمایی را نکوهیده و آن را به جامعه جاهلی نسبت داده و فرموده است:

وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى. (احزاب: ۳۳)

و خود را همانند زینت نمایی روزگار جاهلیت پیشین، زینت نمایی نکنید.

در حقیقت، آنچه مردان را تهییج می کند، سه چیز است: زیبایی، زیور و حرکت های اغوا کننده که در قرآن مجید، به تبرج تعبیر شده است. رفتار زن

می تواند وسیله اغوا و تهییج مرد شود؛ یعنی اگر زیبایی و زیور زنی دیده شود، ولی رفتار او معقول و متین باشد، مرد اغوا نمی شود، مگر به ندرت. به همین دلیل، نرم سخن گفتن زن، گاهی از بی حجابی هم اغواکننده تر است. امروزه بعضی لباس ها که مد روز نیز هستند، حجم و انحناى بدن را چنان نمایان می کنند که اغوای این پوشیدگی گاهی از برهنگی نیز بیشتر است.

### تأثیر حیا، بر پوشش بانوان

امام علی علیه السلام حیا را زیبا ترین لباس دنیا می داند و می فرماید: «أَحْسَنُ مَلَابِسِ الدُّنْيَا الْحَيَاءُ؛ حیا، زیبا ترین جامه دنیا است.»<sup>۱</sup> خداوند در قرآن مجید هنگام بازگویی داستان دختران شعیب و حضرت موسی علیه السلام، می فرماید: «جَاءَتْ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ؛ یکی از آن دو دختر در حالی که باحیا راه می رفت، آمد.» (قصص: ۲۵)

در دیگر ادیان نیز بر حیا تأکید شده است: در **انجیل**، کتاب مقدس مسیحیان، آمده است: «و زنان نیز به لباس مزین به حیا و پرهیز، خود را بیارایند.»<sup>۲</sup> آری زینت یابی به زیور حیا، نوعی آراستگی به صفات الهی است؛ زیرا یکی از صفات کمالی خداوند، حیاست، چنان که امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي وَيُحِبُّ أَهْلَ الْحَيَاءِ.<sup>۳</sup>

خداوند صاحب عزت و جلال، کریمی است که حیا می کند و اهل حیا را دوست دارد.

همچنین نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز آراسته به ویژگی حیا بود، چنان که امام

۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ح ۴۵۴۴.

۲. کتاب مقدس انجیل، نامه اول پولس به تیموثوس، باب دوم، آیه ۹.

۳. من لا یحضر الفقیه، ج ۳، ص ۵۰۶.



صادق علیه السلام می فرماید: «شَمِئَةُ الْحَيَاءِ؛ اخلاق و عادت او حیا بود.»<sup>۱</sup> حضرت علی علیه السلام نیز فردی حیا پیشه بود. درباره ایشان آمده است: «و كان علیؑ علیہ السلام کثیر الحیاة؛ علی، بسیار باحیا بود.»<sup>۲</sup> درباره حدیث ازدواج حضرت فاطمه علیه السلام هم می گویند:

فَلَمَّا أَصْبَحَ دَعَاها فَجَاءَتْ خِرْقَةً مِنَ الْحَيَاءِ.<sup>۳</sup>

چون صبح شد، (پیامبر صلی الله علیه وآله) فاطمه علیها السلام را خواند و او با حیایی آشکار (نزد پدر) آمد.

رفتار حضرت فاطمه علیها السلام، الگو و معیار بسیار روشنی برای همه بشر، به ویژه دختران جوان و مسلمان است تا زندگی سعادت‌مندی داشته باشند. در حقیقت، دختران جوان، باحیا و عفاف خود، گامی مؤثر برای بالا بردن شخصیت و ارزش خود و حفظ موقعیت خویش در برابر مردان بر خواهند داشت.

حیا، مانع افتادن انسان در دام انحراف جنسی و ضامن پاک دامنی اوست. حیا، یکی از بهترین نیروهای کنترل کننده درونی است. حیا، سبب سلامت روانی است. اگر به این ندای درونی که نشانه هماهنگی با طبیعت انسانی است، پاسخ داده نشود، تعادل انسان از میان می رود. همان گونه که پاسخ ندادن به غریزه گرسنگی و تشنگی، انسان را به سختی می اندازد، پاسخ ندادن به غریزه حیا نیز روابط انسان را مختل می سازد. همچنین در پرتو حیا، شخصیت آدمی در امان می ماند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ تَوَبَّهْ خَفِيَ عَلَى النَّاسِ عَيْبُهُ؛ هر کس جامه حیا را بر خود بپوشاند، عیبش از مردم پوشیده می ماند.»<sup>۴</sup> البته میان ادب و

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۷۳.

۳. همان، ج ۴۳، ص ۱۳۸.

۴. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۳.

حیا نیز رابطه محکمی وجود دارد و بسیاری از رفتارهای مؤدبانه، نمونه‌ای از رفتار حیامدارانه است. در بسیاری از موارد، سبب پای‌بندی افراد به ادب، وجود روحیه حیا در آنهاست. انسانی که حیا دارد، از انجام دادن کارهای ناپسند خجالت می‌کشد، در حالی که اگر شرم نمی‌کرد، ممکن بود آنها را انجام دهد. از این رو، حیا، در آراسته شدن انسان به ادب نیز نقش به‌سزایی دارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

آنچه از حیا ریشه می‌گیرد، عبارت است از: نرمش؛ مهربانی؛ در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان؛ سلامت؛ دوری کردن از بدی؛ خوش‌رویی؛ گذشت و بخشندگی و پیروزی و خوش‌نامی میان مردم. اینها فایده‌هایی است که خردمند، از حیا می‌برد.<sup>۱</sup>

بی‌حیایی، زن را با همه ارزش والای ذاتی‌اش، ابزار برای سودجویان می‌سازد و غرور زنانه‌شان را که بخش جدا ناشدنی از شخصیت زنانگی آنان است، خواهد شکست.

با نگاهی گذرا به مباحث پیش گفته، می‌توان مهم‌ترین عوامل بی‌حجابی را در محورهای زیر جست‌وجو کرد.

### ۱. ضعف ایمان

عمل به آموزه‌های الهی جز در پرتو ایمان و آگاهی میسر نخواهد شد. بنابراین، کسانی که در اعتقاد به خداوند و ضرورت دستورات دینی تردید دارند و قلب آنها در ایمان به خداوند و محاسبه روز جزا به مقام اطمینان نرسیده است، در عمل به دستورهای الهی نیز تسامح می‌ورزند. این افراد که به ضرورت

---

۱. همان، ص ۵۶۴.

حجاب آن گونه که باید و شاید پی نبرده‌اند، در پای‌بندی به آن نیز از خود ضعف و سستی نشان می‌دهند.

## ۲. هوس‌رانی

برخی زنان برای ارضای هوس‌رانی خود، به تنوع پوشش، آرایش و زینت بسیار اهمیت می‌دهند و بهترین اوقات خود را به حضور در محیط‌های تجارتي و تفریحی و مهمانی‌های مفسده‌انگیز می‌گذرانند. این دسته از بانوان بدون تفکر و تعقل مانند اشیای بی‌اراده به کارهایی دست می‌زنند که هیچ‌گونه فایده‌ای برای آنها ندارد و از این رهگذر، آسیب‌های جدی متوجه آنان می‌شود.

## ۳. جلب توجه دیگران

آدمی می‌خواهد در جامعه، جایگاه ویژه‌ای داشته باشد که چنین جایگاهی گاه به صورت حقیقی و گاه به صورت مجازی و کاذب به دست می‌آید. جایگاه حقیقی را با دانش و فضایل اخلاقی می‌توان به دست آورد، ولی برخی زنان که از چنین ارزش‌هایی محروم هستند، با نمایش زیبایی‌ها و جاذبه‌های طبیعی زنانگی خود به دنبال جلب توجه دیگران هستند و می‌کوشند کمبودهای کمالی خود را از این راه جبران کنند، غافل از اینکه بی‌حجابی، تنها توجه بیماردلان را به زن جلب می‌کند که خود، کمترین اعتباری ندارند.

## ۴. دگر آزاری

بعضی از زنان که عقده دگر آزاری دارند، با خود آرایی می‌کوشند تمایلات مردان را برانگیزند، ولی بی‌پاسخ بگذارند. این حرکت، مردان را عقده‌مند می‌سازد و در مقابل، زنان سادیسمی از این حرکت خود لذت می‌برند.

## ۵. غرب زدگی

یکی از مشکلات دیرینه جوامع مسلمان، پیروی کورکورانه و بدون تفکر و تحلیل آنان از غرب است. آنها توجه ندارند که اگر غرب به ارزش‌های انسانی زن می‌اندیشید، هرگز به برهنگی و استفاده ابزاری از او فکر نمی‌کرد. او را به‌عنوان موجودی نمی‌شناخت که می‌تواند مرد را ارضا کند و اگر نتواند از عهده این وظیفه برآید، به سرعت مطرود شود. از این رو، زن برای ایفای نقش یاد شده و حفظ بقای خود، با قدرت تمام، به آرایش و خودنمایی سرگرم شده است تا توجه مردان را به سوی خود جلب کند. زنان با این گرایش به گونه‌ای سردرگم شده‌اند که خود به دنبال شکارچیان خویش می‌دوند تا طعمه آنان گردند.

این در حالی است که زن مسلمان، ارزشمندتر و والاتر از آن است که به دنبال سلوک غربی باشد و از زن غربی که از ماهیت انسانی خود تهی شده است، الگو برداری کند.

## ۶. پل زدن به ازدواج

برخی دختران، بدلباسی و خودنمایی خود را پلی برای رسیدن به ازدواج می‌پندارند. آنان گمان می‌کنند با بیرون ریختن مو از زیر روسری، پوشیدن لباس‌های زننده، آرایش‌های ناپسند و نشان دادن زیبایی‌های زنانه خود می‌توانند جوانان را به خود جذب کنند. اینان از این نکته غافلند که جوانان با همه اقبال و خوش‌رویی‌هایی که با ایشان داشته باشند، در پی ازدواج با آنان نخواهند بود. غالب جوانان در پی آنند که دختری را برای همسری خود برگزینند که طرح دوستی با جوان دیگری را در پرونده خود نداشته باشد. جوانان بی‌تقوا از دختران

خودنما برای لذت‌های زودگذر استقبال می‌کنند. در حقیقت، این دختران در چشم‌ها جای دارند، نه در دل‌ها. بنابراین، بدحجابی و ظاهرسازی، چشم‌انداز مناسبی برای ازدواج نیست و اگر هم ازدواجی به‌خاطر جاذبه‌های جنسی صورت پذیرد، بنیان محکمی نخواهد داشت.

## ۷. فخرفروشی

یکی دیگر از ریشه‌های خودنمایی، فخرفروشی است. بعضی از زنان دوست دارند دیگران رفاه مالی آنان را ببینند. بدین منظور، لباس‌های فاخر می‌پوشند و ارزش خود را در طلا و جواهرات می‌جویند. اینان از جدیدترین و شیک‌ترین لباس‌ها و جواهرات بهره می‌گیرند و می‌کوشند تا خود را برتر از دیگران نشان دهند و اندوخته‌های مالی خود را به رخ دیگران بکشند و به این عمل افتخار کنند. نخوت، غرور و فخرفروشی در رفتار آنان موج می‌زند و برای خود جایگاه ویژه‌ای قائلند.

زنان و دختران اگر در دایره عقل و شرع حرکت نکنند، طبیعت آنان خواهان ظاهرسازی و جلوه‌گری جسمانی است.

## ۸. تبلیغات استعماری

زنان، توان اثرگذاری بالایی دارند و استعمارگران نیز از این نکته، بیشترین بهره‌برداری را می‌کنند. **اقبال لاهوری**، درباره آگاه شدن زنان از فریب‌های تبلیغاتی استعمار گفته است:

ای زافسون فرنگی بی‌خبر

فتنه‌ها در آستین او نگر

از فریب او اگر خواهی امان

اشترانش را ز حوض خود بران

استعمار برای رواج فرهنگ برهنگی از راه کارهای گوناگونی بهره می‌برد که در این میان، زن مسلمان باید با هشیاری کامل، خود را از دام صیادان عفاف به دور دارد.

عده‌ای از زنان فریب‌خورده در راه ترویج مدهای مبتذل در جامعه اسلامی، به مهره بی‌مزد و مواجب استعمار تبدیل شده‌اند. اینان در حقیقت، سربازان تهاجم فرهنگی غربند که مشکلات گوناگونی مانند: نابسامانی روحی و خانوادگی، پای‌بند نبودن به ارزش‌های دینی و فقر و ناداری، آنان را به این روز انداخته است.

## ۹. وسوسه‌های شیطانی

شیطان با همه ارزش‌های الهی مخالف است و از گسترش گناهان و زشتی‌ها استقبال می‌کند و در این راه از هر ابزاری بهره می‌گیرد. شیطان با بررسی روحیه افراد، باورهای انحرافی‌اش را به شیوه‌های گوناگون عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی به آنان القا می‌کند. باید دانست گناهان کلیدی نزد شیطان، اولویت دارند؛ زیرا این نوع زشتی‌ها سبب اشاعه گناهان می‌گردد. شیطان از یک طرف دریافته است که صلاح و فساد زن در صلاح و فساد اجتماع نقش چشم‌گیری دارد و از طرف دیگر می‌داند که زنان به خودنمایی نزد دیگران علاقه‌مندند و این خودنمایی هم در اشاعه گناهان نقش کلیدی دارد. شیطان چنان در این مأموریت خود موفق عمل کرده است که برخی زنان باور کرده‌اند چنین معصیت‌های آشکاری، شاخص روشن‌فکری و نشانه پیشرفت است. هر کسی با کمترین واقع‌بینی، به سرعت درمی‌یابد که هوس‌رانی نه تنها نشانه

روشن فکری و متمدن بودن نیست، بلکه قلب را تاریک و عقل را ضعیف می‌سازد و جز از وسوسه‌های شیطان و نفس اماره بر نمی‌خیزد. بی‌حجابی، نتیجه متمدن بودن نیست، بلکه در غرایز جنسی و ضعف باورهای دینی ریشه دارد.

#### ۱۰. سرزنش دیگران

یکی از ریشه‌های بی‌حجابی، سرزنش هم‌کلاسی‌ها، دوستان و آشنایان و گاهی هم اعضای خانواده است. بسیاری از بانوان با برخورداری از سلامت نفس، می‌خواهند حجاب دینی کامل داشته باشند، ولی راهزنان پوشش به آنها شبیخون می‌زنند و زبان به سرزنش می‌گشایند که تو چرا خود را محصور و آزادی خود را سلب می‌کنی. گاهی هم این سرزنش‌ها از سوی مردان است که برای رسیدن به لذت‌های نامشروع خود چنین می‌کنند.

#### ۱۱. مدگرایی

مدگرا می‌کوشد همواره از تازه‌های لباس و آرایش آگاه شود و به هر قیمتی از آنها بهره‌گیرد. مدگرایی کورکورانه، نتیجه غلبه شهوت و تنوع‌طلبی افراطی بر روح انسان است. شهوت لباس، زنان و دختران و افراد مدگرا را به اسارت مدسازان درآورده است. مدسازان پشت‌پرده که با بهره‌گیری از پژوهش‌های گسترده روان‌شناسی به طراحی مدهای جدید می‌پردازند، با طرح مدل‌های تحریک‌آمیز کفش، لباس و آرایش زنان، مقلدان بی‌اراده را اغفال می‌کنند.

یکی دیگر از ریشه‌های خودنمایی و بی‌حجابی، تقلید ناموجه از زنان و دخترانی است که بنا به دلایلی از تقوای پوششی دور مانده‌اند. دلیل چنین تقلیدی را باید در ناآگاهی، ساده‌لوحی، هم‌رنگی با دوستان، چشم و هم‌چشمی، فریب‌خوردن و امثال آنها جست‌وجو کرد. چنین افرادی بدون کمترین تفکر،

عاقبت‌اندیشی و بررسی ماهیت پی‌آمد حکم شرعی رفتار خود، از دیگران تقلید می‌کنند. اگر آدمی براساس مصالح واقع‌بینانه و منافع همه‌جانبه خود تصمیم بگیرد، در چنین گردابی نخواهد افتاد.<sup>۱</sup>

## ۱۲. ضعف غیرت

سست غیرتی سرپرست خانواده در گرایش به بی‌حجابی و سستی حیا و عفت زنان و دختران نقش بسزایی دارد. این روحیه منفی گاهی سبب می‌گردد وی با برخی توجیه‌های نفسانی بر بی‌حجابی و جلوه‌گری ناموس خود اصرار ورزد و چه بسا به آنجا رسد که به نمایش زیبایی‌ها و لباس‌های فاخر و زینت‌های گران‌بهای او بر دیگران فخر کند. برخوردهای چنین کسی با ادعای انسانیت و مردانگی او در تضاد است.

## ۱۳. عدم نظارت سیاست‌گذاران فرهنگی

یکی از وظیفه‌های مهم مسئولان فرهنگی کشور، نظارت بر مؤسسه‌های تولید پوشاک است که بسیاری از آنها به مراکز مدسازی و دوخت لباس‌های مبتذل تبدیل شده‌اند. این مراکز، آزادانه و به دور از هرگونه نظارتی، لباس‌های غیرمعمول و غیرشرعی تولید می‌کنند و حتی لباس‌های کودکان و نوجوانان نیز از مدسازی اینان در امان نمانده است.

نظارت بر فرآورده‌های فرهنگی، تولید و نمایش فیلم و رفتار بازیگران از تبدیل شدن تلویزیون و سینمای کشور به صحنه ترویج مدهای غربی جلوگیری می‌کند. به این نکته هم باید اشاره کرد که براساس قوانین جمهوری اسلامی،

۱. محمدرضا اکبری، تحلیل نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، صص ۱۹۰-۱۴۶.



خانم‌هایی که حجاب شرعی را رعایت نمی‌کنند، مجرمند و کیفر خاصی برای این وضعیت در نظر گرفته شده است. با این حال، از تصویب صریح، جامع و متقن قوانین پوشش دینی که از ضروریات دین اسلام به شمار می‌رود، خبری نیست و خلأ آن بیش از پیش احساس می‌شود. دستگاه‌های اجرایی نیز در برخورد با پوشش‌های غیراسلامی و طراحی مد، سردرگم هستند و بیشتر اوقات، با بی‌اعتنایی از کنار این مسئله می‌گذرند.

#### ۱۴. خانواده سهل‌انگار

خانواده‌هایی که از آموزه‌های دینی فاصله می‌گیرند، در برزخ میان عمل به آموزه‌های دین یا تن دادن به خواسته‌های نفسانی خود قرار می‌گیرند. عقاید آنها رنگ مذهبی دارد، ولی حقیقت دینی ندارد؛ زیرا دین را در محدوده‌ای می‌پذیرند که با باورهای غیردینی آنها تضاد نداشته باشد. دین، لقلقه زبان اینان است و در صورت روبه‌رو شدن با کمترین سختی یا تضاد آموزه‌های دین با تمایلاتشان، به راحتی از دین چشم‌پوشی می‌کنند. فرزندان چنین خانواده‌هایی به فرهنگ تسامح در برابر دین خو می‌گیرند و به تدریج به سوی بی‌حجابی گام برمی‌دارند.

#### ۱۵. ضعف حیا

پوشش و حیا، تفکیک‌ناپذیرند. تا جلوه‌ای از حیا در زنی وجود نداشته باشد، پوشش را هم با جدیت مراعات نخواهد کرد. زنان باحیا کسانی هستند که با پوشش کامل، از نمایش بدن، موی سر و زینت‌های خود شرم دارند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآل‌وسلم‌فرموده است: «خدا، حیا و پوشیدگی بندگان را دوست دارد.»<sup>۱</sup> بی‌حیایی

۱. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۶۳.

زنان و دختران جوان بیشتر در هم‌نشینی با دوستان بی‌حیا، تماشای فیلم‌های مبتذل، بی‌توجهی به ارزش والای عفت و حیا، ضدا ارزش ندانستن بی‌شرمی، فرهنگ نامناسب خانوادگی و بی‌قید و بندی پدر و مادر ریشه دارد.

مسائل اخلاقی و تربیتی از ظرافت خاصی برخوردار است و از پایین‌ترین دوره سنی شکل می‌گیرند. اشتباه است که به مسائل تربیتی مربوط به شرم و حیا دختران تا نه سالگی توجه نشود. آن‌گاه با فرارسیدن زمان تکلیف از آنها خواسته شود تا یک‌باره در درون خود انقلاب برپا کنند. امور تربیتی، حقایقی هستند که باید به تدریج شکل گیرند. حجاب نیز یک فرهنگ است و باید به تدریج و در گذر زمان در روح و جان آدمی نهادینه شود. صفت ارزشمند حیا، ارزشی بزرگ به زن می‌بخشد و بی‌حیایی، او را از مقام انسانیت به زیر خواهد کشید.

## فصل دوم: تأثیر حیا بر پوشش بانوان

از آنجا که مسئله حیا و نقش آن در بی‌حجابی بسیار پررنگ می‌باشد از این رو نقش کلیدی آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### مفهوم‌شناسی حیا

معادل فارسی حیا، شرم و آزرَم است.<sup>۱</sup> **علامه دهخدا** می‌نویسد: «شرم، حیرت و وحشتی است که در آدمی پیدا شود از آگاه شدن دیگری به عیب یا نقص او.»<sup>۲</sup> علامه مجلسی رحمه‌الله درباره حقیقت حیا می‌نویسد: «حیا، ملکه‌ای (عادت‌ی که جزو شخصیت انسان شده باشد) است که موجب گرفتگی (انقباض) نفس از (ارتکاب کار) زشت می‌شود و باعث خودداری نفس از انجام کاری برخلاف آداب، از ترس سرزنش می‌گردد.»<sup>۳</sup> استاد مطهری نیز نوشته است: حیا، عفاف و پوشش، تدبیری است که خود زن برای بالا بردن ارزش و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار می‌برد».<sup>۴</sup>

فلسفه اصلی حیا، شرم کردن از کارهای زشت و کنترل گزینه جنسی است. گزینه جنسی، توفنده‌ترین گزینه در انسان است که در درجه اول، به پاسخ‌گویی

۱. دهخدا، ج ۱۸، ص ۸۴۳.

۲. همان، ص ۳۳۳.

۳. *مرآة العقول*، ج ۸، ص ۱۸۷.

۴. مسئله حجاب، ص ۶۲.

صحیح و در درجه دوم، نیاز قطعی به کنترل دارد.<sup>۱</sup>

## ضرورت حیا برای بانوان

حیای زن؛ حریم و دورباشی است که زن خود به خود در روابطش با مردان برای خویش در نظر می‌گیرد. **مونتسکیو** می‌نویسد: «تمام ملل جهان بر این عقیده مشترک هستند که زنان باید حجب و حیا داشته باشند.»<sup>۲</sup> پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «الْحَيَاءُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ فَتَسَعُهُ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ؛ حیا ده بخش است، نه بخش آن در زنان و یک بخش آن در مردان است.»<sup>۳</sup> زن اگر به راحتی در اختیار مردان قرار گیرد، ارزش خود را از دست می‌دهد. پس روحیه حیا در او بیش از مرد وجود دارد. مونتسکیو با نگاه حقوقی خاص خود می‌نویسد:

قوانین طبیعت این‌طور حکم کرده و لازم دانسته که زن‌ها محبوب باشند و بر شهوات خود غلبه نمایند. طبیعت مرد را طوری آفریده که تهورش زیادتر می‌باشد، ولی زن طوری آفریده شده که خودداری و تحملش زیادتر است. بنابراین، هرگز نباید تصور کرد افسار گسیختگی زن‌ها طبق قوانین طبیعی است، بلکه افسار گسیختگی برخلاف قوانین طبیعت می‌باشد و بالعکس، حجب و حیا و خودداری، مطابق قوانین طبیعت است.<sup>۴</sup>

اگر زن برای مردان دست یافتنی باشد، نه تنها در قلب آنان، محترم و با ارزش نیست، بلکه ارزش واقعی‌اش نیز تحت الشعاع قرار می‌گیرد و رنگ می‌بازد.<sup>۵</sup> **ویل دورانت** می‌نویسد:

۱. محمد مهدی حرزاده، *حیا زیبایی بی‌پایان*، صص ۷۳ و ۷۴.

۲. *روح القوانين*، ص ۴۴۰.

۳. *کنز العمال*، ج ۳، ح ۵۷۶۹.

۴. *روح القوانين*، ص ۴۴۰.

۵. حرزاده، *حیا: زیبایی بی‌پایان*، ص ۸۰.

شرم و عفت برای دختر همچون وسیله دفاعی است که به او اجازه می‌دهد از میان خواستگاران خود، شایسته‌ترین آنان را برگزیند یا خواستگار خود را ناچار سازد که پیش از دست یافتن بر وی، به تهذیب (و اصلاح) خود بپردازد.<sup>۱</sup>

### همچنین **بوتواند راسل** می‌نویسد:

تصور من این است که اگر مردی به سهولت به زنی دست بیازد، احساس آن مرد نسبت به آن زن یک نوع احساس عاشقانه عمیق نیست.<sup>۲</sup>

یکی از دلایل اصلی وجود حیا در انسان، حفظ عفت و کنترل شهوت است. در روایات ما نیز بر این امر تأکید شده است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «علت پاک‌دامنی، حیاست.»<sup>۳</sup> یا می‌فرماید: «پاک‌دامنی به اندازه شرم و حیا بستگی دارد.»<sup>۴</sup>

نکته مهم در حفظ حیای مردان این است که هرچند دست تدبیر آفرینش از یک طرف، غریزه خودنمایی را در نهاد زن درونی ساخته است تا نهاد خانواده استحکام یابد، ولی از طرف دیگر، «حیا» را در وجود زن قرار داده است تا به‌طور غریزی و فطری به حجاب روی آورد و تباهی خود و اجتماع را دامن نزنند.

## آثار و فواید حیا

فواید حیا را می‌توان چنین برشمرد:

### ۱. پاک‌دامنی

حیا مانع افتادن انسان در دام انحراف جنسی و ضامن پاک‌دامنی اوست. حیا

۱. تاریخ تمدن، ج ۵، ص ۷۴.

۲. زنان‌شویی و اخلاق، ص ۷۹.

۳. میزان‌الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۴.

۴. همان.

یکی از بهترین نیروهای کنترل‌کننده درونی است. مسلمان معتقد در پرتو حیا از تمام اشکال بی‌عفتی پرهیز می‌کند.

## ۲. سلامت روان

حیا، ویژگی درونی انسان است و هماهنگی با آن، نشانه هماهنگی با طبیعت انسانی است. اگر به این ندای درونی پاسخ داده نشود، تعادل انسان از بین می‌رود. همان‌گونه که پاسخ ندادن به غریزه گرسنگی و تشنگی، انسان را به‌سختی می‌اندازد، پاسخ ندادن به غریزه حیا نیز روابط انسان را مختل می‌کند.

## ۳. حفظ شخصیت آدمی

حیا سبب می‌شود انسان، رفتارهای خلاف ادب انجام ندهد. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الْحَيَاءُ تَمَامُ الْكِرَامِ؛ شرم، کمال بزرگواری (و شخصیت) است.»<sup>۱</sup> نیز می‌فرماید: «مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ تَوَبَّهُ خَفِيَ عَلَى النَّاسِ عَيْبُهُ؛ هر کس، جامه حیا را بر خود پوشاند، عییش از مردم پوشیده ماند.»<sup>۲</sup>

## ۴. ادب

میان ادب و حیا، رابطه محکمی وجود دارد و بسیاری از رفتارهای مؤدبانه، مصداق رفتار حیامدارانه است. در بسیاری از موارد، علت پای‌بندی افراد به ادب، وجود روحیه حیا در آنهاست. امام صادق علیه‌السلام به یکی از شاگردان خود به نام مُفَضَّل می‌فرماید:

اگر حیا نبود، انسان هیچ‌گاه مهمان نمی‌پذیرفت، به وعده وفا نمی‌کرد، نیازهای مردم را برآورده نمی‌ساخت، از نیکی‌ها برحذر بود و بدی‌ها را مرتکب می‌شد. بسیاری از امور لازم و واجب نیز به خاطر حیا انجام می‌شود.

۱. همان، ص ۵۶۲.

۲. همان، ص ۵۶۳.

بسیاری از مردم هستند که اگر حیا نمی‌کردند و شرمگین نمی‌شدند، حقوق والدین را رعایت نمی‌کردند، هیچ صله‌رحمی به جای نمی‌آوردند، هیچ امانتی را به درستی پس نمی‌دادند و از زشتی بر حذر نبودند.<sup>۱</sup>

اساساً انسانی که حیا دارد، خجالت می‌کشد کارهای ناپسند انجام دهد، در حالی که اگر شرم نمی‌کرد، ممکن بود آنها را انجام دهد. از این رو، حیا در آراسته شدن انسان به ادب نقش بسزایی دارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

أَمَّا الْحَيَاءُ فَيَشْتَعِبُ مِنْهُ اللَّيْنُ وَالرَّافَةُ وَالْمُرَاقِبَةُ لِلَّهِ فِي السِّرِّ وَالْغَلَائِيَّةِ وَالسَّلَامَةُ وَاجْتِنَابُ الشَّرِّ وَالْإِبْشَاشَةُ وَالسَّمَاخَةُ وَالظَّفَرُ وَحُسْنُ الثَّنَاءِ عَلَى الْمَرْءِ فِي النَّاسِ فَهَذَا مَا أَصَابَ الْعَاقِلُ بِالْحَيَاءِ فَطُوبَى لِمَنْ قَبْلَ نَصِيحَةِ اللَّهِ وَخَافَ فَضِيحَتَهُ.<sup>۲</sup>

آنچه از حیا ریشه می‌گیرد، عبارت است از: نرمش، مهربانی، در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان، سلامت، دوری کردن از بدی، خوش‌رویی، گذشت و بخشندگی، پیروزی و خوش‌نامی در میان مردم. اینها فوایدی است که خردمند از حیا می‌برد.

حیا، ارزش زن را حفظ می‌کند، ولی بی‌حیایی «کار را به جایی می‌کشاند که جامعه از زن نه به عنوان یک موجود دارای شخصیت و هویت، بلکه از اجزای بدن او صحبت به میان می‌آورد... او که همواره با حفظ شرم از موضع قدرت و ناز با جنس مخالف روبه‌رو می‌شد، اکنون خود را از موضع ضعف و نیاز، عرضه می‌کند. اکنون آن غرور زنانه که جزء جداناپذیر زنانگی اوست، به کلی شکسته شده است و دیگر از آن عزت نفس و مناعت طبع که او را محبوب و معشوق می‌ساخت، خبری نیست.»<sup>۳</sup>

۱. توحید مفضل، ترجمه و نگارش: نجف‌علی میرزایی، ص ۷۳.

۲. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۴.

۳. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۱.

در این حالت، زن با آن همه ارزش والای خود ابزار می‌شود برای شغل‌های پستی که شئون زنانگی‌اش را به خطر می‌افکند. زنان در غرب نه تنها از این وضعیت ناراحت نیستند، بلکه به آن افتخار هم می‌کنند. بعضی از زنان جامعه اسلامی نیز از این افکار شیطانی و بی‌ارزش پیروی می‌کنند.

### عوامل تضعیف حیا

#### ۱. بی‌توجهی نسبت به حیا

اگر آدمی، حیا را درک نکند، به تدریج، صفت حیا در او کم‌رنگ می‌شود. صفات پسندیده نیاز به مراقبت دارند و اگر به حال خود رها شوند، از دست می‌روند. «شرم احتیاج به حمایت دارد تا اینکه لطیف‌ترین ارکان سرشت انسانی را حفظ کند.»<sup>۱</sup> وظیفه جوانان، مطالعه؛ وظیفه والدین، تذکر؛ وظیفه نویسندگان، نوشتن؛ وظیفه مبلغان، سخن گفتن و وظیفه هنرمندان، به تصویر کشیدن جلوه‌های مثبت و منفی حیا و بی‌حیایی است.

#### ۲. بی‌حیایی والدین

«همان‌گونه که تربیت صحیح، حیا را تقویت می‌کند، تربیت ناسالم نیز سبب تضعیف حیا می‌شود. والدین و مربیان باید توجه داشته باشند رفتار آنان به عنوان الگو بسیار اثرگذار است. اساس بسیاری از بی‌شرمی‌هایی که در نوجوانان (و همچنین جوانان) به چشم می‌خورد، بی‌شرمی پدر و مادر در روابط است.»<sup>۲</sup>

#### ۳. رسانه‌های جمعی

رسانه‌های گروهی مانند: مطبوعات، کتاب، اینترنت، رادیو، تلویزیون، سینما،

۱. همان.

۲. فرزانه صمدی، بلوغ و دگرگونی‌های آن، ص ۷۵.



ویدئو، ماهواره و سی دی، بر فرهنگ جامعه اثر می گذارند. رسانه‌ای تصویری به علت داشتن صحنه‌ای نامطلوب، تاثیر زیادی بر حیای بینندگان خود می گذارد. این مسئله در مورد محصولات فرهنگی کشورهای غربی به‌ویژه امریکا محسوس تر است و آگاهانه تلاش می کنند فرهنگ ابتدال، برهنگی و بی حیایی را جایگزین سازند.

مدیر آژانس اطلاعاتی امریکا می گوید: «ما سعی می کنیم تا طرز تفکر انسان را توسط وسایل ارتباط جمعی تحت نفوذ قرار دهیم، به وسیله تماس‌های فردی، فرستنده‌های رادیویی، کتاب‌خانه‌ها، انتشارات و پخش کتاب مطبوعات، فیلم‌های سینمایی تلویزیون، نمایشگاه‌ها، تدریس زبان انگلیسی و سایر طرق»<sup>۱</sup>. گذشته از فیلم‌های مبتذل، فیلم‌های نسبتاً معمولی سینمای هالیوود و بالیوود نیز به دلیل نمایش روابط آزاد زن و مرد و پوشش زننده زنان بر روحیه حیای بینندگان تأثیر منفی می گذارد. ناگفته پیداست اگر فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی ایرانی، اصول حیا و آزرَم را در فیلم‌ها رعایت نکنند، به دلیل تشابه خاستگاه فرهنگی، بر مخاطبان تأثیر بسی زننده‌تری دارند. به‌راستی، چشم دوختن دختران و پسران و زنان و مردان در فیلم‌ها به یکدیگر، صحبت‌های عاشقانه پسران و دختران بدون اشراف پدر و مادر و بدون رعایت مسائل شرعی چگونه قابل توجیه است. این مسائل به‌ویژه در تلویزیون، با حذف چاشنی جنسی و عادی جلوه دادن این روابط صورت می گیرد تا تقابل جدی غیرت‌مندان را برنیانگیزد. بی‌شک، دیدن این صحنه‌ها تأثیر منفی فراوانی بر حیای افراد

۱. مجله تربیت، تابستان ۱۳۷۵، ص ۱۰.

می‌گذارد. گفتنی است صحنه‌های مخالف حیا تنها به بی‌حجابی منحصر نیست، بلکه صحنه‌های خلاف ادب مانند پرخاش به والدین را نیز شامل می‌شود.

## ارتباط پوشش و حیا

بسیاری از نویسندگان، استفاده انسان از لباس را معلول وجود روحیه حیا در

انسان می‌دانند. **غلام‌علی حداد عادل** می‌نویسد:

از مجموع تحقیقاتی که به عمل آمده، مسلم شده لباس دست کم پاسخ‌گوی سه نیاز آدمی است. اول اینکه او را از سرما و گرما و باد و برف و باران حفظ می‌کند. دیگر اینکه برای حفظ عفت و شرم به او کمک می‌نماید و بالاخره به او آراستگی و وقار می‌بخشد. پس منشأ اصلی پیدایش لباس، نیاز به محفوظ ماندن، عقیف ماندن و زیبا بودن است.<sup>۱</sup>

رعایت کردن حجاب بر افزایش حیا تأثیر دارد و از عوامل تقویت آن به‌شمار می‌آید. البته تا احساس قلبی در کار نباشد، انسان دست به کاری نمی‌زند. عقل، راه را به انسان نشان می‌دهد و احساس، انرژی و انگیزه به انسان می‌بخشد. احساس حیا، انگیزه استفاده از حجاب اسلامی را به دختران می‌دهد. تا زمانی که دختر یا زن احساس نکند نمایان بودن مو و سر و گردن یا تنگی و کوتاهی لباس، زشت است و از آن شرم نکند، انگیزه لازم برای پوشاندن خود را به دست نخواهد آورد. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

بر شما لازم است لباس ضخیم بپوشید. هرکس لباسش نازک است، دین او هم نازک (و سطحی) است.<sup>۲</sup>

امروزه بعضی از زنان به ظاهر این توصیه را رعایت می‌کنند، ولی بر اثر

۱. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۸۹.

سهل انگاری، لباس ظاهر یعنی چادرشان کنار می رود و لباس های نامناسب شان نمایان می شود. حیا در پوشش آن است که زن و مرد، لباس های بلند و گشاد (در حد متعادل) بپوشند و از پوشیدن لباس های نازک بدن نما و رنگ های محرک (نه شاد) پرهیز کنند.

در کنار این مسئله، حیای چشم (نگاه) هم اهمیت بسیار دارد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الْحَيَاءُ غَضُّ الطَّرْفِ؛ شرم، چشم فرو بستن است.»<sup>۱</sup> حیای چشم؛ یعنی شخص از دیدن آنچه دیدنش زشت است، چشم فرو بندد. امام باقر علیه السلام می فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْحَيَاءَ فِي الْعَيْنَيْنِ؛ به درستی که خدا، حیا را در چشم ها قرار داده است.»<sup>۲</sup> ویل دورانت می نویسد: «مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیاست».<sup>۳</sup>

حیا در گفتار نیز دو جنبه دارد. یکی، محتوای سخن و دیگری، حالت سخن. خداوند در قرآن می فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ به ناز سخن نگوئید تا آنکه در دلش بیماری است، طمع ورزد و گفتار شایسته بگوئید.» (احزاب: ۳۲) معمولاً انسان های مؤمن و معتقد حتی از خود نیز حیا دارند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «حَيَاءُ الرَّجُلِ مِنْ نَفْسِهِ تَمَرَةُ الْإِيمَانِ؛ شرم داشتن مرد از خود، میوه ایمان است.»<sup>۴</sup> ایشان در بیان دیگری می فرماید: «غَايَةُ الْحَيَاءِ أَنْ يَسْتَحْيِيَ الْمَرْءُ مِنْ نَفْسِهِ؛ اوج حیا آن است که آدمی از خودش شرم کند.»<sup>۵</sup> در این حال، آدمی حتی در جایی که او را هم نمی شناسند، باز مراقب رفتار خود خواهد بود. البته انسانی که عالم را محضر

۱. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۸۰.

۳. لذات فلسفه، ص ۱۲۹.

۴. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۹.

۵. همان.

خداوند می‌داند، هماره از خداوند شرم می‌کند. پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «از خدا چنان که باید، شرم کنید.» پرسیدند: ای پیامبر خدا! چه کسی از خدا چنان که باید، شرم می‌کند؟ فرمود:

کسی که از خدا به راستی حیا داشته باشد، باید اجل خود را در برابر دیدگانش قرار دهد؛ به دنیا و فریبندگی‌های آن پشت کند؛ مراقب سر و اندیشه خود و شکم و خوراک خود باشد و گور و پوشیده شدن بدن را از یاد نبرد.<sup>۱</sup>

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْحَيَاءِ اسْتِحْيَاؤُكَ عَنِ اللَّهِ؛ برترین حیا آن است که از خدا شرم کنی.»<sup>۲</sup> پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سخنی نغز می‌فرماید: هر یک از شما باید از دو فرشته‌ای که با خود دارد، شرم کند، همچنان که از دو همسایه خوب خود که شب و روز در کنارش هستند، شرم می‌کند.<sup>۳</sup> محاسبه نفس، تشکیل دادگاه فعال درونی است که رفتارش را در ترازوی حکمت و شریعت بسنجد و داوری کند.

۱. همان، ص ۵۶۸.

۲. همان.

۳. کنز العمال، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۵۷۵۱.

## فصل سوم: ضرورت‌ها و بایسته‌های غیرتمداری

از آنجا که غیرت یکی دیگر از عوامل مهم تقویت یا تضعیف حجاب و عفاف در جامعه دینی می‌باشد در این فصل آن را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

### معنای غیرت<sup>۱</sup>

«غیرت» در لغت؛ به معنای رشک بردن، تعصب و حفظ کردن ناموس است<sup>۲</sup> و در اصطلاح عبارت است از «تأثیر پذیری همراه با بغض و کینه و تیرگی دل، که انسان معمولاً زمانی درکش می‌کند که احساس کند فرد محبوب وی، توجه یا محبتش را معطوف شخص دیگری کرده است».<sup>۳</sup>

به عبارت دیگر، «غیرت، حس درونی است که آفرینش برای محافظت و نگاهبانی از حریم خانواده و پاسداری از نسل، در وجود مرد نهاده است. در حقیقت، این حس در مرد وجود دارد که می‌خواهد ناموس خود را از دسترس کامجویی دیگران دور کند و همسر خود را تنها در انحصار خود نگه دارد».<sup>۴</sup>

غیرت، یکی از ویژگی‌های برجسته اخلاقی پیامبران و اولیای الهی است.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

كَانَ اِبْرَاهِيْمُ اَبِيْ غَيْرَا، وَاَنَا اُغَيْرُ مِنْهُ وَاَزْعَمُ اللّٰهُ اَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنْ

۱. معصومه صفدری، غیرت، طوبی شماره ۱۹.

۲. فرهنگ عمید، ج ۳، ص ۱۷۹۳.

۳. محمد عثمان نجاتی، قرآن و روان‌شناسی، ص ۱۳۵.

۴. محمدعلی سادات، راهنمای همسران جوان، ص ۱۶۴.

المؤمنین.<sup>۱</sup>

پدرم ابراهیم، غیور و جوان مرد بود و من از او غیورترم و خداوند بینی کسی را که اهل ایمان است، ولی غیرت ندارد، به خاک بمالد.

## غیرت؛ یکی از جلوه‌های مردانگی

مرد، پاسدار حرمت و کرامت زن است و زمینه ساز این پاسداری و حراست از نوامیس، ویژگی‌ها و مسئولیت‌هایی است که خداوند در مردان قرار داده است. هرچه مرد بر کمالات انسانی خود بیفزاید، بر معرفت و غیرت او نیز افزوده می‌شود.

نقل است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، فرد مشرکی را به خاطر غیرت‌ورزی‌اش، از کشته شدن نجات می‌دهد و او را می‌ستاید. امام صادق علیه‌السلام در این باره روایت می‌کند:

اسیرانی را به محضر پیامبر آوردند، پیامبر فرمود: «جز یک نفر، بقیه را گردن زنند». آن مرد (نجات یافته) گفت: چرا مرا از قتل رها کردی؟ پیامبر فرمود: «خداوند با پیک وحی‌اش به من خبر داد که در تو پنج ویژگی وجود دارد که آنها را خداوند و رسولش دوست می‌دارند؛ یکی از آنها غیرت و نگرهبانی از ناموس است».<sup>۲</sup>

شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

مرد بر خلاف آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد، در عمق روح خود از ابتذال زن و تسلیم و بی‌ارادگی او متنفر است و همیشه عزت و بی‌نیازی و بی‌اعتنایی زن را نسبت به خود ستوده است.<sup>۳</sup>

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹.

۲. بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۰۸.

۳. شهید مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۰۲.

غیرت، آفت‌هایی نیز دارد که یا آن را از میان می‌برد یا آن را بسیار کم رنگ می‌سازد. «اگر مرد در شهوت‌های نفسانی غوطه‌ور گردد و کمالات انسانی خود را کم کم از دست دهد، غیرت نیز همانند دیگر کمالات اخلاقی، نورانیت خود را از دست می‌دهد و خاموش خواهد شد. در این صورت، اگر همسرش وسیله کامجویی دیگران قرار گیرد و دست و نگاه آلوده متوجه او شود، نه تنها آزرده خاطر نمی‌شود، بلکه لذت می‌برد و افتخار هم می‌کند و حتی بیشتر از زن، در نشان دادن زیبایی‌های همسر خود به نامحرمان اصرار می‌ورزد»<sup>۱</sup>.

### غیرت اجتماعی

«جامعه اسلامی، اجتماعی به هم پیوسته است که فرد فرد این جامعه، نباید خود را تافته جدا بافته از دیگران بدانند. مردان موظفند. در برابر بی‌مبالاتی‌ها، مرزشکنی‌ها و اذیت و آزارها و حرمت‌زدایی‌های ناموسی بایستند، به گونه‌ای که ناموس اجتماع را ناموس خود بدانند و در حفظ حرمت‌ها، زنان مسلمان را مانند همسر خود بیندارند. پس تنها در چنین جامعه‌ای است که زن و دختر آنها نیز از نگاه‌های آلوده نامحرمان در امان خواهند بود و پاکی و طهارت اجتماع، باقی خواهد ماند»<sup>۲</sup>.

از این رو، بر همه افراد جامعه فرض است که هرگز به این مرزشکنی‌ها نزدیک نشوند و زمینه حرمت‌شکنی ناموس‌ها را فراهم نکنند. امام صادق علیه‌السلام در تعبیری زیبا این مسئولیت خطیر اجتماعی را چنین گوشرد می‌کند:

۱. نک: راهنمای همسران جوان، ص ۱۶۴.

۲. نک: فتیحیه فتاحی زاده، حجاب، از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۴۱.

عَفُوا عَنِ نَسَاءِ النَّاسِ تَعِفَّ نَسَائُكُمْ<sup>۱</sup>

چشم‌پوشی کنید از زنان مردم تا مردم از زنانان چشم ببوشند.

پس در نظر داشتن تأثیر کارها و اینکه نگاه داشتن حرمت ناموس دیگران، گاهی ممکن است به هتک حرمت ناموس خود فرد بینجامد، خود یکی از راه‌های ایجاد یا تقویت غیرت در آدمی است.

نقل است امام صادق علیه‌السلام در پاسخ مسئله‌ای که در آن از گناه اجتماعی می‌پرسند، گناه کار را متوجه محارم خود می‌کند و حس غیرت اجتماعی را در او برمی‌انگیزد. «از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: زنی می‌گذرد و مرد از پشت به او می‌نگرد. آیا این عمل مرد گناه است؟ حضرت فرمود: آیا هیچ یک از شما خوش دارد که کسی به زن یا زنان فامیل او نگاه کند؟ گفتند: نه. حضرت ادامه داد: پس برای مردمان، همان بخواه که برای خود می‌خواهی»<sup>۲</sup>.

### میان‌روی در غیرت

کوتاهی و زیاده‌روی در هر کاری، سبب منحرف شدن آدمی از راه درست و مستقیم است و او را از رسیدن به هدف الهی باز می‌دارد و پی آمدهای ناگواری نیز به دنبال دارد. غیرت‌ورزی نیز چنین است و در صورت تفریط و افراط در آن، آثار شومی دامن‌گیر انسان خواهد شد. زیاده‌روی در غیرت افزون بر آن که موجب بدگمانی شخص نسبت به ناموس او می‌شود، احساس شخصیت را نیز از ناموسش می‌ستاند.

درباره کوتاهی و بی‌توجهی در امر غیرت نیز در آموزه‌های پیشوایان اسلام

۱. محمد بن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، ج ۵، ص ۵۵۴.

۲. *وسائل الشیعه*، ج ۱۴، ص ۱۴۴.



بسیار سخن‌ها برجاست. مردی که تحت تأثیر تبلیغات شیطانی، هویت اصیل خود را از دست داده و زن را همچون کالایی مادی می‌پندارد و شخصیت خود را در داشتن زنی که در منظر دیگران خود را می‌آراید، جست‌وجو می‌کند، به سرزنش اسلام درمی‌آید، چنان که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در چنین اوضاعی بر سر مردم کوفه فریاد می‌زند که: «أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَعَارُونَ؟...؛ چرا حیا نمی‌کنید، شما را غیرت نیست؟...»<sup>۱</sup>.

### وظیفه مسلمانان در پاسداری از زنان و دختران

دشمنان اسلام می‌کوشند تا زنان و دختران را از حریم عفاف و جاده سلامت به در آورده و مورد سوء استفاده قرار دهند. در مقابل، مسلمانان نیز وظایفی دارند و سکوت و بی‌تفاوتی در برابر این توطئه خانمان‌سوز، پسندیده نیست.

قرآن مجید به مؤمنان می‌آموزد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ<sup>۲</sup>

یعنی: ای کسانی که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌تان را از آتش دوزخی که خود مردم و سنگها، هیزم و آتش آن است، حفظ کنید که مأموران آتش، فرشتگانی بسیار سخت دل می‌باشند که هرگز نافرمانی خدا نمی‌کنند و آنچه به آنها گفته می‌شود، فوراً انجام می‌دهند.

همچنین در آیه شریفه دیگری آمده است که در روز قیامت وقتی انسانهای ظالم را به طرف جهنم می‌برند، آنها با حالت ترس و ذلت با گوشه چشم بر آتش دوزخ می‌نگرند و در آن حال، مؤمنان خطاب به ظالمان می‌گویند: «إِنَّ الْخَاسِرِينَ

۱. همان.

۲. تحریم: ۶.

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ<sup>۱</sup> آری زیانکاران کسانی هستند که خود و خانواده‌شان در امروز که قیامت است ضرر کرده‌اند.

این آیات و توصیه‌های معصومین به ما گوشزد می‌کند که انسان علاوه بر آنکه مسئول اعمال خویش است، باید در همه حال از کسانی که وابسته به او هستند (همچون زن، دختر، خواهر، فرزند، برادر و...) نیز مواظبت کند تا آنان را از کجروی و گناه باز دارد. در این راه، باید آنان را مورد کنترل قرار داده و از برآوردن خواسته‌های نابجای آنان پرهیز کند.

### غیرت‌مداری در روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام

امام صادق علیه‌السلام به نقل از حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ! بُنِيتُ أَنْ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ؛ أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟ قَالَ الْكَلْبِيُّ: وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَتَغَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَيُرَاحَمُنَ الْعُلُوجَ؟<sup>۲</sup>

یعنی: ای اهل عراق! با خبر شدم که زنان شما در راه، با مردان برخورد می‌کنند؛ آیا حیا و شرم نمی‌کنید؟! مرحوم کلینی می‌گوید: در حدیث دیگری آمده است که حضرت فرمود: آیا حیا نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آیید که زنانان به طرف فروشگاه‌ها بیرون می‌روند و با افراد بی‌ایمان و لاپابالی برخورد می‌کنند؟!

همچنین در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه از کلمات حضرت امیر علیه‌السلام استفاده می‌شود که هر چه زن کمتر از منزل خارج شود، از جهات مختلف برای او و همسرش بهتر خواهد بود. البته اگر کار ضروری و لازمی برای او پیش آید و خارج شود،

۱. شوری: ۴۵.

۲. همان، ص ۱۷۶؛ محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۵، ص ۵۳۷.

باید حجاب را کاملاً رعایت کند و از هر گونه حرکت ناشایستی دوری کند. اسلام، با حضور محجبهان زنان در اجتماع مخالفتی ندارد و منافاتی بین کار زن و حجاب و مستور بودنش نمی‌بیند. او می‌تواند در بیرون از خانه کار کند ولی باید مسائل شرعی را رعایت کند. چنانچه حضرت امام رحمه‌الله‌بارها فرمودند که اگر شئون و مسائل شرعی رعایت شود، خدمت و کار زن در جامعه مانعی ندارد.

البته صفت غیرت در انسان، مانند پاسبانی است که موجب ثبات خانواده می‌گردد و غیرتمند با تعصب و حمیت و حفظ نوامیس خود، جلوی انحرافهای احتمالی را خواهد گرفت. انسان غیور نه تنها نسبت به خانواده خود بلکه نسبت به ناموس دیگران نیز حساس است؛ زیرا وظیفه حراست و پاسبانی را منحصر در اهل و عیال خود نمی‌داند بلکه در سطحی گسترده‌تر در اجتماع و حتی در سراسر جهان خود را مسئول می‌داند. او آفریده خالقی است که غیور مطلق است؛ چنان که در روایتی، به غیرت الهی اشاره شده است:

إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَيُغَيِّرُ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرَهَا وَبَاطِنَهَا.<sup>۱</sup>

یعنی: خداوند غیرتمند است و هر انسان غیرتمندی را هم دوست دارد و چون غیور است، گناهان زشت چه آشکار و چه پنهانش را حرام کرده است.

در برابر، کسانی که غیرتمند نیستند و مخالف آن مشی می‌کنند. ذلیل و خوار

خواهند شد؛ چنان که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌می‌فرماید:

جَدَعَ اللَّهُ أُنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ.<sup>۲</sup>

یعنی: خدا بینی مؤمن و مسلمانی را که غیرت نداشته باشد، به خاک ذگت می‌مالد.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، پیشین، ص ۵۳۵.

۲. همان، ص ۵۳۶.

البته غیرتمداری در سیره انبیا و امامان معصوم، بوضوح دیده می‌شود. پیامبر گرامی اسلام با تأیید غیرتمداری حضرت ابراهیم، خود را غیرتمندتر می‌دانند و با یادآوری آثار زیانبار بی‌غیرتی، از همگان می‌خواهند که از باب «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» از ایشان پیروی کنند:

كَانَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبِي غَيْرًا وَ أَنَا أَعْيَرُ مِنْهُ وَ أَرْغَمَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ<sup>۱</sup>.

یعنی: پدرم ابراهیم مرد غیرتمندی بود، ولی من غیرتمندترم و خداوند بینی مسلمانی را که غیرت ندارد، به خاک ذلت می‌مالد.

در سیره امامان معصوم علیهم‌السلام که کردار و گفتار آنان نه تنها سرمشق شیعیان و مسلمانان بلکه آزادمردان جهان است، آموزه‌های فراوانی در این باره وجود دارد؛ برای مثال، حضرت امام حسین علیه‌السلام، سردار غیرت و آزادی، وقتی مشاهده نمود که لشکر یزید بین او و اهل بیت جدایی افکنده‌اند، با بازداشتن آنها از حرکت به سوی خیمه‌های اهل بیت، غیرتمداری خویش را نسبت به تعرض به نوامیس خویش نشان داده و فرمودند:

أَقُولُ أَنَا الَّذِي أَقَاتِلُكُمْ وَ تُقَاتِلُونِي<sup>۲</sup> وَ النَّسَاءُ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ فَاثْمَعُوا عَتَاتِكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِي مَا دُمْتُ حَيًّا<sup>۳</sup>.

یعنی: من با شما می‌جنگم و شما نیز با من می‌جنگید؛ زن‌ها که گناهی ندارند. تا من زنده هستم نگذارید سرکشها و ستمکاران شما، متعرض اهل بیت من شوند.

با نگاهی به روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام درمی‌یابیم که غیرت، از

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، پیشین، ص ۱۷۶.

۲. در کتاب لهوف تُقَاتِلُونِي آمده است.

۳. شیخ عباس قمی، *نفس المهموم*، ص ۳۵۴.

نیکوترین صفات مردان است. خداوند غیرتمندان را دوست دارد و خود نیز غیور است. بی‌غیرت، در دنیا و آخرت، عذاب می‌کشد و بی‌عفتی نوامیس او، فساد خانوادگی، ناصالح شدن فرزندان و... نتیجه همین بی‌غیرتی است.

این روایت حضرت امیر علیه‌السلام که بی‌غیرت را واژگون و سیاه قلب می‌دانند، شایان توجه است:

إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِ فَلْيَغْرُ وَ مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنكُوسُ الْقَلْبِ.<sup>۱</sup>

یعنی: خداوند نسبت به مؤمن غیرت دارد. او هم باید غیرت - که از صفات خدای بزرگ است - داشته باشد. کسی که غیرت ندارد، قلبش واژگون و سیاه است.

## اقسام غیرت

در یک نگاه کلی، می‌توان غیرت را به اقسام زیر تقسیم کرد:

### الف) غیرت در دین

مسلمان تا جایی که بتوان دارد، باید از دین دفاع کرده و آن را از خطرهای احتمالی حفظ کند و در صورتی که لازم باشد از بذل جان و مال در این راه دریغ نرزد و در این راه نباید از سرزنش دیگران بهراسد. بسیاری از انبیا و امامان معصوم علیهم‌السلام و مردان صالح در طول تاریخ جان و مال خویش را در راه حفظ و پاسداری از دین، تقدیم کرده‌اند.

### ب) غیرت نسبت به نوامیس (فرزندان و خویشان و هم‌کیشان)

انسان باید مراقب همسر، دختر، خواهر و هم‌کیشان خود باشد و آنان را از انحراف باز دارد و نگذارد در موارد غیرضروری با نامحرم در تماس باشند.

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، پیشین، ص ۱۷۶؛ محمد بن یعقوب کلینی، پیشین، ص ۵۳۶.

اختلاط و روابط ناسالم عاملی در گسترش فساد و انحراف، و پرهیز از آن مورد توجه جدی اسلام و رهبران دینی است. اسلام، در عین تأکید بر حضور اجتماعی زن، آن را بدون قید و شرط، مجاز نمی‌داند. یکی از شرایط مهم و اساسی در فعالیت و مشارکت اجتماعی زنان، رعایت مرزبندی و حفظ حریم است. قرآن مجید، درباره عدم اختلاط زنان و مردان می‌فرماید:

وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ.<sup>۱</sup>

یعنی: هرگاه از ایشان (زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله) چیزی خواستید، از پشت پرده و حایل، طلب کنید.

هر چند شأن نزول این آیه، ویژه زنان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است، ولی «مورد نزول» نمی‌تواند شمول مفهومی آیه را محدود کند.

بنابراین، منظور آیه یاد شده، منع اختلاط زن و مرد است. شهید مطهری رحمه‌الله می‌گوید: دستور حجاب که در این آیه آمده است غیر از دستور پوشش است که مورد بحث ماست. «این دستور راجع به سنن خانوادگی و رفتاری است که انسان باید در خانه دیگران داشته باشد. طبق این دستور، مرد نباید وارد جایگاه زنان شود...» ایشان سپس در توضیح «ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن» می‌فرماید:

این آیه مانند آیه ۶۱ سوره نور دلالت می‌کند که هر اندازه مرد و زن جانب ستر و پوشش و ترک بر خوردهایی که مستلزم نظر است رعایت نمایند، به تقوا و پاکی نزدیک‌تر است و...<sup>۲</sup>

امام صادق علیه‌السلام درباره رعایت مرز میان زن و مرد فرمود:

فِي مَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ مِنَ الْبَيْعَةِ عَلَى النِّسَاءِ أَنْ لَا يَحْتَبِينَ وَلَا يَقْعُدْنَ مَعَ الرِّجَالِ

۱. احزاب: ۵۳.

۲. نک: مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۵۴.

فِي الْخَلَاءِ<sup>۱</sup>

از جمله پیمان‌هایی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله با زنان بست، این بود که در خلوت با مردان معاشرت و نشست و برخاست نکنند.

غیرت مرد مسلمان، امری ستودنی است، چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام آن را از نشانه‌های ایمان شمرده و فرموده است: «غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ؛ غیبت مرد و حراست او از ناموشش، جزو ایمان است»<sup>۲</sup>.

تعادل نداشتن در غیرت، همواره تلاش‌ها را از نتیجه مطلوب و رسیدن به مقصود باز می‌دارد.

اسلام، غیرت بیجا را ممنوع کرده است؛ چنان‌که حضرت علی علیه‌السلام در وصیت خود به امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید:

وَإِيَّاكَ وَالْتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ. غَيْرَةٌ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقْمِ وَ  
الْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ.<sup>۳</sup>

از غیرت و بدگمانی در جایی که نباید غیرت به کار برد، اجتناب کن؛ زیرا این کار، زن پاک را به ناپاکی و زن بی‌گناه را به اندیشه گناه فرا می‌خواند. هر چند غیرتمندی بسیار پسندیده است، ولی غیرتمند باید از بدگمانی و وسوسه‌های نابجا پرهیزد؛ زیرا چنین رفتارهایی، کانون گرم خانواده را سرد و بی‌روح و خود فرد را نیز به بیماری مبتلا می‌سازد.

از سوی دیگر، بی‌تفاوتی مردان به نوامیس نیز به شدت نکوهش شده است، چنان‌که پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... وَالْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَزَيِّنَةً مُتَعَطَّرَةً

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، پیشین، ص ۱۷۴.

۲. آمدی، غررالحکم و دررالكلم، ج ۴، ص ۳۷۷.

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

وَالزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ لِرِزْوَانِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ، يَبْتَ فِي النَّارِ.

هر زنی که خود را بیاراید و خوشبو کند و از منزل خارج شود و شوهرش به این امر راضی باشد، خداوند در قبال هر قدمی که بر می‌دارد، برای شوهرش خانه‌ای در دوزخ بنا خواهد کرد.<sup>۱</sup>

زن مسلمان با رفتاری مناسب و متین، زمینه گسترش عفت عمومی را فراهم می‌آورد؛ زیرا جامعه اسلامی جامعه‌ای به هم پیوسته است و فرد نباید خود را تافته‌ای جداافتاده از دیگران تلقی کند.

انسان مؤمن، نابهنجاریهای اجتماعی را به همان سان که بر زن و ناموس خود برنمی‌تابد، درباره سایر زنان مسلمان نیز تحمل نمی‌کند (غیرت اجتماعی). مردان موظفند در برابر حرمت شکنی‌ها ایستادگی کنند. امام صادق علیه السلام در تعبیری ظریف به نتیجه چنین رویکردی اشاره می‌نمایند:

بَرُّوا آبَاءَكُمْ يَبْرِكْكُمْ أَبْنَاءَكُمْ وَعِفْوًا عَنِ نِسَاءِ النَّاسِ تَعْفَ نِسَاؤُكُمْ.

یعنی: نیکی کنید با پدرانتان تا پسرانتان به شما نیکی کنند و چشم‌پوشی کنید از زنان مردم تا مردم از زنانتان چشم‌پوشند.<sup>۲</sup>

در سایه غیرت اجتماعی ضمانتهای اجرایی برای فعالیت زنان فراهم می‌آید و جامعه از امنیت و سلامت معنوی بهره‌مند می‌شود.

انسان غیور، در مورد تربیت فرزندان حساس است و به همین جهت از ابتداء، زنی را برمی‌گزیند که مؤمن و پاک‌دامن باشد تا وظیفه هدایت فرزندان را به بهترین شکل انجام دهد. اساسا شیر مادر و رفتار و کردار او در تکوین شخصیت فرزندان بسیار مؤثر است که در جای خود نیز، به اثبات رسیده است. انسان

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹.

۲. الامالی، ج ۶، ص ۲۸۸.



غیرت‌مدار، آمد و رفتها و دوستان و آشنایان فرزندان خود را از نظر دور نمی‌دارد و با حساسیتهای ویژه‌ای که دارد، او را در مسیر تربیت و سازندگی همراهی می‌کند.

### ج) غیرت در مال

انسان مسلمان، باید مالش را از راه حلال کسب کند و در حفظ و حراست آن نیز کوشا باشد و از اسراف و تبذیر و خست و بخل پرهیزد و حقوقی را که خداوند بر مال واجب گردانیده، ادا کند و در یک کلمه، با مال خود آخرت خویش را آباد گرداند. ناگفته پیداست مالی که از راه حرام بدست آید و بال گردن صاحب خویش خواهد بود و زیان آن در دنیا و آخرت به او می‌رسد.

## فصل چهارم: عوامل مؤثر در سست شدن فرهنگ حجاب و پی آمدهای آن

حجاب، نماد عفت و عزت زنان و از شاخص‌های مهم فرهنگ دینی و از عناصر اصلی هویت ملی ماست. بی‌شک، کرامت آدمی در گرو پای‌بندی به عفاف است که در پرتو آن، سلامت عمومی جامعه حفظ می‌گردد. جامعه سالم موجب رشد و بالندگی همه انسان‌ها اعم از زن و مرد می‌شود. طبیعی است آن دسته از کسانی که خود را صاحب قدرت و فرهنگ برتر می‌دانند، تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا جهان را به کیفیت مطلوب و ماندگار مورد نظر خود برسانند و از همه ابزارها استفاده می‌کنند تا فرهنگ بی‌بند و باری رواج نیابد.

از سال ۱۹۵۰م. تغییرهای دامنه‌داری در برنامه‌ریزی جهانی به‌ویژه در کشورهای صنعتی به وجود آمد. آنها معتقد بودند تا فرهنگ، رنک اقتصادی نگیرد و حرکت خود را در مسیر رشد اقتصادی تنظیم نکند، نمی‌توانند به سود واقعی دست یابند. بدین ترتیب، نگرش آنان به فرهنگ، اقتصادی شد. در حقیقت، فرهنگ، عامل وابسته به اقتصاد گردید. این نگرش، برنامه‌ریزی جدیدی را ایجاد می‌کرد. در این دیدگاه، ساختن انسان اقتصادی مورد نظر است؛ انسانی که برای رسیدن به سود و لذت بیشتر، اصالت انسان یا اومانیزم را تحلیل می‌کند و در این راه، آماده دست زدن به هرگونه خشونت برای رسیدن

به لذت و سود بیشتر است. این نوع نگرش که با نگرش الهی در تضاد است، میان زن و مرد، دشمنی پدید می‌آورد و پایه‌های زن‌سالاری را استوار می‌گرداند. در نگرش الهی که نگرش تکاملی است، زن و مرد، درمقابل هم قرار ندارند، بلکه به کمک هم می‌توانند به تکامل بالاتر دست پیدا کنند و در محیط اجتماعی و خانوادگی، متمم و مکمل هم‌دیگر شوند. جامعه الهی، جامعه‌ای است که نهادهای فرهنگی و ارزشی بر آن حاکم هستند و تنها از دریچه ایمان می‌توان به این جامعه نگاه کرد. انسانی که در این بستر فرهنگی رشد می‌کند، انسانی مختار، مستقل، فرهنگی، ارزشی و باتقوا است.

در حقیقت، در نظام ارزشی، نقش اول به فرهنگ داده می‌شود و عناصر فرهنگی چنان پویاست که به تکامل همه جنبه‌های انسانی کمک می‌کند. برای مثال، در این جامعه آنچه بتواند جلو رشد فرهنگ مادی را بگیرد، ارزش تلقی می‌شود. حجاب نیز به عنوان قوی‌ترین عامل برای کنترل رشد فرهنگ مادی، ارزشمند است. به همین دلیل، سردمداران ترویج فرهنگ مادی، بیشترین هجمه تبلیغاتی خود را علیه حجاب سامان می‌دهند. وقتی یک خانم با حجاب اسلامی به کشورهای غربی قدم می‌گذارد، در حقیقت، بدون اینکه کلمه‌ای سخن بگوید، در تقابل با فرهنگ مادی قرار می‌گیرد. به همین جهت، شاید هیچ حکم اسلامی به غیر از جهاد، به این میزان با تهاجم فرهنگ مادی روبه‌رو نشده باشد. حجاب، پرچم اسلام و در حقیقت، لباس عقل عملی زنان مسلمان است. دشمن برای سست کردن این ارزش در سه زمینه فعالیت می‌کند: نخست، پایه‌گذاری ارزش‌ها و باورهای هستی‌شناسی بر اساس فرهنگ بیگانه؛ دوم، وارد ساختن تفکرهای ضد ارزشی در برنامه‌ها و سوم، القای تحلیل‌های فکری جدید

و ناهماهنگ با ارزش‌ها به والدین و جوانان. و این در حالی است که زنان غربی با تفسیری که از ارزش‌ها و هویت انسانی زنان دارند، هیچ طُرْفی نبسته‌اند و روزنی به سوی نور و روشنایی نیافته‌اند، اگر فرهنگ غربی حافظ و حامی زنان بود باید امروزه ارزش زنان به مراتب بسیار بهتر از وضع کنونی آنان می‌بود. با این حال، با آنکه حجاب و رعایت موازین عفاف هیچ‌گونه محدودیتی در زمینه‌های مختلف برای پیشرفت زنان فراهم نیاورده است، شاهد کم‌رنگ شدن پوشش اسلامی در دهه اخیر هستیم. عوامل متعددی در این زمینه دخیلند که از آن میان می‌توان از عوامل زیر یاد کرد:

### ۱. تبیین نشدن فرهنگ ناب اسلامی

پس از انقلاب، گرایش خوبی به دین و دیانت و انجام دستورهای دینی به وجود آمد. سیاست‌گذاران کشور نیز تصور می‌کردند این فضا ادامه خواهد یافت، غافل از اینکه نسل آینده، نه طعم خواری زن در نظام طاغوت را چشیده و نه پی‌آمدهای بی‌بند و باری را شاهد بوده است. نسل تازه در آن دوران، یا تازه متولد شده بودند یا حداکثر ۱۰ - ۱۲ سال داشتند. بدین ترتیب، برای تبیین فرهنگ حجاب و عفاف برای این نسل، برنامه‌ریزی درستی صورت نگرفت. یکی دیگر از عوامل تبیین نشدن فرهنگ اسلامی، بحران‌سازی‌های متعدد دشمنان انقلاب بود که فرصت برنامه‌ریزی صحیح را از سیاستمداران حکومت دینی سلب کرد.

### ۲. تبیین نشدن فرهنگ حجاب در جامعه

استفاده نکردن از کارشناسان متعهد و متخصص، متحول نشدن کتاب‌های بینش دینی مدرسه‌ها و معارف دانشگاه‌ها، تدوین مطالب به صورت خشک و

نامناسب با طبع جوانان، سنگ اندازی بیگانگان با سست کردن اعتقادات دینی، تبلیغ آزادی غربی و ترویج فرهنگ تساهل و تسامح، سبب شده است فرهنگ حجاب به درستی در جامعه اسلامی تبیین نشود. در این میان، افرادی که دنبال زندگی بی دردسر هستند، بسیار زود به افکاری که دشمن در این زمینه القا می کند، گرایش پیدا می کنند.

### ۳. بالا رفتن سن ازدواج

گسترش فرهنگ مصرفی و بالا رفتن خواسته ها و وجود مشکلات دیگر سبب شده است جوانان از ازدواج خودداری کنند. طبع زن نیز تمایل دارد که زیبایی های خود را در مقابل جنس مخالف نشان دهد و اگر راه حلی که خداوند متعال در مقابل او گذاشته است، برای او کارساز نباشد، از راه های دیگری استفاده می کند و به خودنمایی می پردازد. در حقیقت، بالا رفتن سن ازدواج در پایین آمدن سطح حجاب اثر می گذارد. اگر زنان در خانواده مورد توجه همسرانشان قرار گیرند، این حس آنان تأمین می شود. از سوی دیگر، بالا رفتن سن ازدواج، عاملی برای جلوه گری و پیدا کردن همسر از راه های غیر معمول است.

### ۴. نبود ساختار صحیح برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر

در نزدیک به سه دهه اخیر به سبب اینکه روش صحیح امر به معروف و نهی از منکر بیان نشد، این حکم اسلامی در حاشیه قرار گرفت. به همین علت، افراد دچار افراط و تفریط شدند. همین امر سبب شد تا دشمن از شیوه نادرست اجرای امر به معروف و نهی از منکر، علیه نیروهای متدین بهره گیرد و آنها را خشونت طلب و زورگو معرفی کند. البته در کنار تدبیرهای درونی، وجود

شیوه‌های بیرونی تربیت نیز ضرورت دارد و فریضه امر به معروف و نهی از منکر بیانگر مسئولیت عمومی افراد در تربیت بیرونی انسان‌هاست. هر انسانی همچنان که مسئول خویشتن است، مسئولیت دیگران را نیز برعهده دارد. مسلمان نمی‌تواند نسبت به آنچه در محیط پیرامونش می‌گذرد، بی‌تفاوت باشد. بنابراین باید با اصلاح روش‌ها، نسبت به کاربست کامل آن در جامعه دینی اقدام کرد.

## ۵. کاستی در معرفی الگوها

اسوه در لغت به معنی پیشوا، رهبر، مثال و نمونه است.<sup>۱</sup> در قرآن درباره زنان نمونه آمده است:

و خداوند برای مردم باایمان، همسر فرعون را مثل می‌زند، آن‌گاه که گفت: پروردگارا! مرا نزد خود در بهشت جای ده و از فرعون و کردارش نجاتم بخش و از مردم ستم‌پیشه رهایم ساز! (و سرمشق دیگر) مریم دختر عمران (است) آنکه دامنش را پاک نگاه داشت و ما از روح خویش در او دمیدیم و نشانه‌های پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از پارسایان بود. (تحریم: ۱۱-۱۲)

در جای دیگر می‌فرماید:

وقتی را یاد آور که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند، تو را برگزید و پاک ساخت و بر زنان جهان برتری بخشید. (آل‌عمران: ۴۲)

وقتی نهادهای فرهنگی جامعه در معرفی الگو از خود سستی نشان دهند، دشمن به راحتی الگوهای خود را به جوانان و نوجوانان معرفی می‌کند. الگوهای مناسب نیز اگر معرفی شوند، به علت ناآشنایی و ناپختگی جوانان و بر اثر وسوسه‌های فکری و جلوه‌گری الگوهای کاذب، اعتبار خویش را به آسانی

۱. لسان العرب، ج ۱۴.

از دست می دهند. این خطر فرهنگی، دختران را که احساسات آنها در اوج است، بیش از پسران تهدید می کند.

یکی از امتیازهای ادیان الهی این است که نه تنها الگو معرفی کرده اند، بلکه الگوهای آن در جنسیت های مختلف است. خدای متعال، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را آفرید تا هم الگوی زنان باشد و هم مردان؛ چنان که علی بن ابی طالب هم الگوی مردان است و هم زنان؛ چون این دو جنس، مکمل یکدیگرند. با وجود داشتن چنین الگوهایی، ما مسئولیت سنگینی بر عهده داریم. جهانیان و حتی پیروان اسلام می پرسند اینان که الگوی فاطمه زهرا علیها السلام و وحی را پیش رو داشتند و زمینه نیز برایشان فراهم بود، چگونه نتوانستند جامعه زنان را به صورت علمی و خودکفا اداره کنند. چگونه حجاب اسلامی با وجود فلسفه غنی اش نه تنها گسترده تر نشده، بلکه کمتر رعایت شده است. باید دانست امروزه زنان ما دچار مسائل و مشکلات درونی هستند و تا این مشکلات از طریق مذهب پاسخ داده نشود، رفتار زنان بنیان درستی نمی یابد. تصویری که زنان در جامعه از خود دارند، تصویر درستی نیست و از آن ناراضی اند. متأسفانه زن همیشه جنسی ضعیف، عامل ارضای غرایز جنسی، موجودی انفعالی، ناکارآمد و حاشیه ای معرفی می شود. حتی زنان تحصیل کرده، با حجاب کامل نیستند و این طور القا شده است که دانشمند شدن با محجبه شدن، جمع شدنی نیست.

از جمله عوامل مهم در این راستا، معرفی گروه مرجع است. کسانی که در جامعه الگو می شوند، باید به حجاب، ارزش ها و اصول اسلام و انقلاب ایمان داشته باشند. الگو باید نسبت به دیگران، فردی برگزیده و دارای امتیاز باشد تا سزاوار امامت و رهبری خلق گردد؛ زیرا ایشان علاوه بر وظیفه آموزش و

راهنمایی، وظیفه تربیت و راهبری را نیز بر عهده دارند؛ آن هم تربیتی همگانی که شامل مستعدترین و برجسته‌ترین افراد جامعه نیز می‌شود. چنین مقامی در خور کسانی است که خودشان به عالی‌ترین مدارج کمال انسانی رسیده و دارای کامل‌ترین ملکات نفسانی باشند.<sup>۱</sup>

در استفاده از سرمشق، باید معیار پیروی از او را به دست آورد. به بیان دیگر، بایست روح حاکم بر افعال و اقوال الگو را شناخت تا بتوان از زوایای زندگی او به قوانین و درس‌های کلی و عمومی دست یافت. آنان که الگوهای اسلامی را کهنه شدنی می‌پندارند، پیروی از اسوه‌های آن را به صورتی ایستا و محدود تحلیل می‌کنند. فاطمه علیها السلام از عالی‌ترین الگوهای اسلامی است که با وجود نیاز فوری زنان ما به شناخت ابعاد اندیشه و زندگی ایشان، از آن کمتر بهره برده‌اند. الگو بودن زهرا علیها السلام در نوع وسایل پوشش یا امور مادی و زوال‌پذیر نیست، بلکه آنچه فاطمه را فاطمه کرد، اموری است زوال‌ناپذیر که کمتر بدان‌ها پرداخته می‌شود.

## ۶. کم‌رنگ شدن نقش خانواده‌ها

اگر تربیت فرزندان از خانه به مهد کودک و مدرسه منتقل شود، آن را می‌توان به هر جای دیگری نیز کشاند. تلاش دشمن، جدا کردن جوان از کانون خانواده است؛ زیرا بدین وسیله زمینه آسیب‌پذیری آنان و آمادگی‌شان برای اثرپذیری از القای فرهنگی دوچندان می‌شود. این جدایی ممکن است ظاهری یا فکری باشد. اسلام برای ارتباط عاطفی و روحی والدین با جوان اهمیت قائل

۱. محمد تقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، قم، انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ج ۱ و ۲، صص ۲۴۲ و ۲۴۳.



است. اگر جامعه پاک می‌خواهیم، باید خانواده را تطهیر کنیم. کودک در پرتو ویژگی همانند شدن، بدون اراده از رفتار بزرگسالان حتی جارو کردن مادر، روزنامه خواندن پدر و نزاع و مشاجره آنان تقلید می‌کند. کودک به مناسبت زود باوری و تقلید، فکر خانواده و پدر و مادر را می‌پذیرد و روح و روان او از این طریق تکامل می‌یابد.<sup>۱</sup>

این خواست درونی تنها به دوره کودکی محدود نمی‌گردد، ولی دوره نوجوانی و جوانی، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا تا پیش از آن، هرچه را والدین مناسب می‌پنداشتند، او بی‌چون و چرا می‌پذیرفت. اکنون که به درستی گزینش آنان شک کرده است، درصدد برمی‌آید خود با حس استقلال‌ی که یافته است، آن را انتخاب کند.

والدین علاوه بر مسئولیت عام، مسئولیت ویژه‌ای نیز در قبال فرزندان به عهده دارند. این مسئولیت از قبل از تولد فرزند آغاز می‌شود و تا دوران رشد و بلوغ ادامه می‌یابد. رعایت آموزه‌های دینی در زمینه‌های بهداشت جسمی و روحی فرزندان و اهتمام در تربیت آنان و فراهم آوردن محیط مناسب در درون خانواده و مراقبت از آنان در محیط بیرونی، در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی و روانی فرزندان، تأثیری سازنده دارد.

## ۷. تلاش ناکافی در ایجاد محیط سالم اجتماعی

یکی از وظیفه‌های اجتماعی مدیران جامعه این است که برای ایجاد محیط تربیتی سالم، نظام کارآمدی را برنامه‌ریزی و اجرا کنند. ساختن محیط سالم در

۱. علی قائمی، نقش مادر در تربیت، ج ۵، انتشارات امیری، ۱۳۶۸، صص ۱۰۹ و ۱۱۳.

مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌های جمعی، محیط‌های فرهنگی و هنری و اجرای شیوه‌های صحیح و مؤثر از اقدامات ضروری در ارتقای اخلاق اجتماعی است. ساختن جامعه سالم از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اداری و ارزش‌های حاکم، شرط ضروری در تربیت عمومی است. در جامعه‌ای که از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ناسالم باشد، جرایم و مفاسد اخلاقی فزونی خواهد یافت. اگر کسب مال از طریق مشروع، مشکل یا ناممکن باشد، به‌طور طبیعی، افراد بسیاری به راه‌های نامشروع روی می‌آورند. در چنین فضایی، نصیحت، تذکر و امر به معروف چندان تأثیری نخواهد داشت. مهم‌ترین وظیفه مدیران در چنین شرایطی، تلاش برای رفع مشکلات و بهبود وضع اجتماعی، تصحیح مدیریت‌ها، اصلاح اداری و تقویت بنیه اقتصادی است.

### ۸. ناآشنایی با فلسفه حجاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بحث علمی مناسبی در زمینه فرهنگ حجاب و عفاف صورت نگرفته است و نسل جوان با فلسفه و ضرورت حجاب، آشنایی لازم را ندارد. نشست‌های علمی علاوه بر تبیین فلسفه و ضرورت حجاب و مبانی فقهی آن می‌تواند آثار اجتماعی، روحی و روانی حجاب و رسالت انقلاب اسلامی را درباره زنان روشن کند.

گفتنی است در شیوه تبلیغی باید زبان عام‌تری را برگزینیم تا بهتر به افراد منتقل شود. شیوه‌ها باید به دور از افراط و تفریط و متناسب با سن مخاطب و تحصیلات و موقعیت فرد باشد که در این راه، کمک گرفتن از فنون روان‌شناسانه بسیار مهم است. برای رسیدن به وضعیت درست، باید خود انتقاد باشیم. در روان‌شناسی می‌گویند فرد باید قانع شود تا پای‌بند شود. ما تا به حال

بیشتر از شیوه‌های قانونی استفاده کرده‌ایم، ولی در کنار استفاده درست از قانون باید انگیزه درونی نیز در افراد به وجود بیاوریم.

## مهم‌ترین آسیب‌ها و پی‌آمدهای بی‌حجابی

### ۱. عقده‌مند کردن مردان

جلوه‌گری زنان، آثار منفی روانی برای مردان و جوانان در پی دارد. اگر میل آدمی به چیزی جلب شود و به آن دست نیابد، تعادل روحی و روانی او به هم می‌ریزد؛ درونش ناآرام می‌گردد و در صورت تکرار، به عقده‌روانی تبدیل می‌شود.

### ۲. سقوط شخصیت زنان

حجاب، قانون فطرت است و سرپیچی از این قانون فطری، سقوط ارزشی بانوان را به همراه دارد. هر قدر زنان به خودآرایی بپردازند، از تقویت و تکمیل روح الهی خود باز می‌مانند. بی‌حجابی، کلید تخریب ارزش‌های زنانه است.

### ۳. تزلزل خانواده‌ها

کشاندن مسائل جنسی از محیط خانواده به جامعه افزون بر متزلزل کردن عفت زنان، زمینه از هم پاشیدن بنیان خانواده‌ها را نیز فراهم می‌آورد. اساساً پوشش زنان سبب می‌شود تمتعات جنسی منحصر در خانواده باشد؛ همچنین به حفظ و حراست از کیان اجتماعی و استفاده بهینه از نیروهای فعال آن کمک می‌کند. در مقابل، حضور زنان بی‌حجاب و بدحجاب دل مردان راست کرده و ایمانشان را می‌ریاید و چه بسا باعث رکود در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود.

### ۴. بلوغ زودرس جنسی

بی‌تردید، بر اثر جلوه‌گری زنان، نوجوانان، زودتر از زمان طبیعی به بلوغ خواهند رسید و این بلوغ زودرس زمینه‌ساز اختلال روانی و جسمی در آنها

می‌شود.

## ۵. بدآموزی

اصولاً فرزندان، رفتار خود را از بزرگ‌ترها می‌آموزند. اگر زنان و دختران بالغ جامعه، از شرم و حیا به دور باشند و در پوشش مناسب موی سر، بدن و زینت‌هایشان دقت نکنند، الگوی نامناسبی برای فرزندان جامعه خواهند بود.

## فصل پنجم: بایسته‌ها و راه کارهای ترویج فرهنگ حجاب

در راستای نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب و عفاف، توجه به محورهای زیر قابل تأمل است:

### ۱. آموزش حجاب در مدارس

مدارس، مراکز تعلیم و تربیت و تزکیه‌اند. آموزش عملی احکام دینی، بخشی از وظایف معلم و دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد. توصیه بدون تعلیم و تربیت، پوشش دینی را به دستور خشک و تحمیلی مبدل می‌سازد، ولی توصیه همراه با معرفت، پذیرش آن را آسان می‌کند. معرفت به حجاب، ضامن اجرا و دوام آن است. آن‌گاه که پوشش دینی در محیط‌های اجتماعی و پس از پایان تحصیلات، به شکل فرهنگ پذیرفته شده در آید، رسمیت عملی پیدا می‌کند.

### ۲. تشویق

این اصل در تربیت آدمی، کاربرد فراوان دارد. ماهیت تشویق‌ها متفاوت است و می‌تواند بار عاطفی، مالی، تشریفاتی، شغلی، سیاسی، علمی و امثال آن داشته باشد که در ترویج فرهنگ حجاب مورد استفاده قرار خواهد گرفت. اگر فردی نیازمند نوعی تشویق نباشد، باید از نوع دیگر بهره بگیریم. احترام لازم محسوس مردم به بانوان با حیا و باحجاب جامعه سبب ترویج فرهنگ حجاب خواهد شد. همان‌طور که برخورد منفی با زنان بی حجاب نیز می‌تواند عاملی

بازدارنده به حساب آید با این شرط که حد و اندازه آن را باید رعایت کرد تا به لجاجت نیانجامد.

### ۳. فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری

انتشار نشریه و کتاب، تشکیل میزگردهای ادبی، فراخوانی مقاله، تعیین موضوع حجاب برای انشا و پرسش مهر، به کارگیری هنرهای تصویری، مسابقات فرهنگی و مانند آن آثار مثبتی دارند. تولید برنامه‌ها و فیلم‌های مفید و آموزشی نیز در رادیو و تلویزیون اثری فراگیر دارد. رعایت کامل پوشش دینی بانوانی که در فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی بازی می‌کنند یا عکسی که با پوشش اسلامی در صفحات مطبوعات به چاپ می‌رسد، آثار مثبتی دارد، چنان‌که پوشش‌های غیر شرعی نیز آثار زیان‌بار و گسترده‌ای بر فرهنگ جامعه می‌گذارد. اساساً حضور زنان پوشیده در صحنه‌های مختلف جامعه، آثار مثبت و چشم‌گیری در همگانی کردن فرهنگ حجاب اسلامی در جامعه دارد. پخش آیات، روایات و کلمات حکمت‌آمیز و تصاویر الهام‌بخش درباره حجاب در محیط‌های عمومی، تابلوهای شهری و محیط‌های مناسب دیگر نیز به تقویت این فرهنگ خواهد انجامید.

### ۴. تقویت فرهنگ غیرت

بی‌تردید، زنان با هر تفکر و عقیده‌ای، به نظر و سلیقه همسران خود در انتخاب‌های خویش از جمله لباس و وضع ظاهری توجه می‌کنند. از این رو، غیرتمندی مردان در نوع پوشش آن نقش بسزایی دارد. با توجه به این واقعیت، ترویج فرهنگ غیرت در میان مردان به ترویج و تحقق پوشش دینی در جامعه کمک می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَ

أَهْلِيكُمْ نَارًا وَفُؤُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی که هیزمش از مردم و سنگ خارااست، حفظ کنید.» (تحریم: ۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «خداوند، بینی هریک از مؤمنانی را که غیرت نمی‌ورزند، به خاک می‌مالد.»<sup>۱</sup> ایشان در سخنی دیگر، غیرت را از ایمان می‌داند.<sup>۲</sup>

## ۵. نظارت بر رسانه‌های جمعی

رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما در ساختار فرهنگ اجتماعی مردم نقش مهمی دارند و می‌توانند با نوع برنامه‌های خود، آنان را به فساد یا صلاح بکشانند. کمترین تسامح در اعطای امتیاز کار فرهنگی جهت راه‌اندازی مؤسسه‌های هنری، نمایش تئاتر و فیلم و انتشار روزنامه، مجله و کتاب، به نفوذ فرهنگ بیگانه و ابتذال اخلاقی می‌انجامد. شرط پوشش دینی در تهیه و خرید فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی، ضرورتی انکارناپذیر است. حتی نمایش دختر بچه‌ها با وضع نامتناسب از سیمای جمهوری اسلامی، بدآموزی فرهنگی دارد.

برخی والدین فکر می‌کنند دیدن صحنه‌های آن‌چنانی در فرزندانشان تأثیری ندارد یا چون آن را درک نمی‌کنند، مسئله را جدی نمی‌گیرند. این توهمی بیش نیست. آنها این مسئله را خوب درک می‌کنند و از آن تأثیر می‌پذیرند. این صحنه‌ها بر روحشان تأثیر منفی می‌گذارد و در بزرگسالی ظهور می‌یابد.

## ۶. فعالیت قوای سه‌گانه

تصویب قوانین جامع و دقیق در این زمینه در مجلس شورای اسلامی و عمل کردن بدون تساهل و تسامح قوه قضاییه به قوانین یاد شده سبب می‌شود فرهنگ

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰۹.

۲. همان.

حجاب ترویج یابد. قوه قضاییه سهمی مهم در حفظ سلامت جامعه دارد و اوضاع اخلاقی جامعه، کارنامه گویای این دستگاه است. نظارت جدی و دل‌سوزانه مسئولان دولتی بر محیط‌های تحت نظارت آنها نیز از جمله عوامل ترویج حجاب و پیش‌گیری از بدحجابی در ادارات دولتی است.

### ۷. احیای امر به معروف و نهی از منکر

پس از تقویت ریشه‌های حجاب، شناخت معروف و اجرای امر به معروف و نهی از منکر تأثیر بسزایی در کنترل اجتماعی دارد. امر و نهی دینی، تکلیف عمومی است. زن، ناموس جامعه اسلامی است و همه باید در حفظ این گوهر الهی بکوشند. جامعه دینی، هیچ‌گونه تساهل و تسامحی را در این راستا برنمی‌تابد. بی‌اعتنایی در این راه پسندیده نیست، ولی وسواس و بدگمانی هم کارساز نخواهد بود. مبنای طهارت و تقوا، تربیت و ایمان است. اگر فقط ترس پشتوانه پرهیز باشد، در جایی که چنین ترسی نیست، شخص از ارتکاب محرمات پروا نخواهد داشت. پی‌آمد چنین فضایی، ایجاد نفاق و دورنگی و دوگانگی در معاشرت و پوشش و رفتار خواهد بود.

### ۸. معرفی پوشش‌های متناسب

یکی دیگر از عوامل فهم، تعریف درست از پوشش متناسب با سن و شرایط کاری بانوان است. الگویی که با رعایت معیارهای شرعی، آزادی عمل بیشتری را برای زنان مسلمان فراهم آورد. افزون بر این، با معرفی الگوی پوشش و تنوع دادن در آن، می‌توان تا حدود زیادی به نیازهای بانوان پاسخ داد.

### ۹. تقویت باورهای دینی با احیای فرهنگ ناب اسلامی

اگر زنی دارای باوری قوی باشد شالوده‌شخصیتی او نیز بر اساس همین باور



شکل می‌گیرد؛ چنان که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الْمَرْءُ بِإِيمَانِهِ» یعنی: شخصیت انسان در گرو باورهای اوست.<sup>۱</sup>

آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُ بِعَمَلِهِ» یعنی: و ایمان انسان در عمل او جلوه‌گر است.<sup>۲</sup>

بنابراین، باید با تقویت پایه‌های دینی و باورهای اعتقادی، وسیله اعمال صالح را در زنان فراهم آوریم و این مسئولیت بیش از همه بر عهده متولیان مذهبی و فرهنگی جامعه است.

### ۱۰. باطن‌گرایی و سیرت‌گرایی به جای صورت‌گرایی

فراخوانی زن مسلمان به ارزشهای اصیل دینی و فراهم نمودن تمهیدات لازم برای تقویت عملی و پرورش روح ایمان و تعهد وی، نقش مهمی در این زمینه دارد. آنچه در اسلام ارزش دارد شخصیت و جود و عظمت روح بلند انسان است و تن و نمای فیزیکی انسان منزلت والایی ندارد. حضرت مسیح علیه‌السلام می‌فرماید:

یعنی: بحق برای شما می‌گویم: تن چه سودی دارد در صورتی که ظاهرش درست باشد و درونش تباه. بدنهای شما چه سودتان دهد که خوشتان دارد و دلهایتان تباه باشد و سودی نبرید که پوست خود را پاک نگاه دارید و دلهای شما چرکین باشد.<sup>۳</sup>

متأسفانه برخی از زنان در شرایط کنونی، حتی پوشش را نیز برای خودنمایی برمی‌گزینند. سخن تأمل‌برانگیز حضرت علی علیه‌السلام در این مورد، کاملاً گویاست:

۱. آمدی، پیشین، ج ۱، ص ۶۲.

۲. همان، ص ۶۱.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۴۸.

تَطَهَّرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ هُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نَسْوَةٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ مُتَبَرِّجَاتٌ مِّنَ الدِّينِ خَارِجَاتٌ وَ فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتٌ وَ لِلشَّهَوَاتِ مَانِلَاتٌ وَ إِلَيَّ اللَّذَاتِ مُسْرِعَاتٌ مُسْتَحِيلَاتٌ لِلْمَحْرَمَاتِ وَ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ.

یعنی: در آخر الزمان که بدترین زمانهاست، ظاهر می‌شوند زنان پوشیده‌ای که برهنه‌اند (لباس دارند اما تنگ، کوتاه، نازک و بدن‌نما می‌باشد) و از خانه با خود آرای بیرون می‌آیند، اینان از دین خارجند و در فتنه‌ها داخل و به سوی شهوات تمایل دارند و به سوی لذات نفسانی در شتابند و حرامها را حلال می‌دانند و در دوزخ به عذاب ابدی گرفتار می‌آیند.<sup>۱</sup>

## ۱.۱. معرفی و شناساندن الگوهای زن مسلمان

انسان فطرتاً الگو‌گزين و اسوه‌پذير است و دوست دارد ارزشهای باورمند خود را در چهره‌های مجسم دیده و همانندسازی کند. با وجود این امروزه زن مسلمان، آنچنان که باید با شخصیت‌های بزرگ تاریخ اسلام آشنا نشده تا دریابد که آنان چگونه با حضور توأم با وقار و متانت در جامعه اسلامی، شرافت و منزلت انسانی خویش را حفظ نمودند.

زن مسلمان با شناخت شیوه رفتاری زهرای مرضیه علیها السلام و زینب کبری و الگوبرداری از آن، بازیچه هوسها قرار نمی‌گیرد و عامل فسادگستری نمی‌شود و به حیات طیبه و پاکیزه می‌رسد:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهَا حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.<sup>۲</sup>

یعنی: هر کس از مرد و زن که ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد، به او حیات پاکیزه می‌بخشیم و پاداش آنها را بهتر از اعمالی که انجام داده‌اند،

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، پیشین، ص ۱۹.

۲. سوره نحل: ۹۷.

خواهیم داد.

خداوند در این آیه، پاداش و ثواب را در برابر عمل صالح دانسته است؛ یعنی ملاک برتری، زن یا مرد بودن نیست، بلکه هر انسان مؤمنی که عمل صالحی انجام دهد، به او پاداش داده می‌شود و فرقی هم بین زن و مرد نیست. البته کسانی که دستورها و قوانین الهی را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهند در قرآن و احادیث از آنان، به نیکی یاد شده است.<sup>۱</sup>

در این میان، پیروی از اسوه‌ها تأثیر بسزایی در رشد و تکامل آدمی دارد و چه اسوه‌ای بهتر از کسی که پیامبر گرامی اسلام درباره او می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَيُّغْضَبُ لِعُغْضَبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا.»<sup>۲</sup> یعنی: خداوند با غضب فاطمه علیها السلام غضبناک می‌شود و با رضایت او راضی می‌شود.

حضرت امام خمینی رحمه الله در خصوص جامعیت حضرت زهرا علیها السلام و الگو قرار دادن این بانوی فرشته خو می‌فرماید:

تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهرا علیها السلام جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است؛ یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام مشخصه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان، این زن معمولی نیست؛ این موجود ملکوتی است که در عالم، به صورت انسان ظاهر شده است بلکه موجود الهی جبروتی، در صورت یک زن ظاهر شده است. زنی که تمام خاصه‌های انبیا در او است. زنی که اگر مرد بود، نبی بود. زنی که اگر مرد بود، به جای رسول الله بود.<sup>۳</sup>

۱. رک: احزاب: ۳۵؛ حجرات: ۱۳؛ روم: ۲۱؛ قصص: ۷؛ آل عمران: ۴۵؛ تحریم: ۱۱.

۲. محمد محمدی ری شهری، *میزان الحکمه*، ج ۴، ص ۹۴.

۳. *زن از دیدگاه امام خمینی رحمه الله*، ص ۸۸.

جلوه‌های ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های مُلکی و ناسوتی هم در این موجود مجتمع است.<sup>۱</sup>

استاد شهید مرتضی مطهری نیز در تبیین عظمت و جامعیت حضرت زهرا

علیها السلام می‌نویسد:

در تاریخ اسلام، زنان قدیسه و عالی قدر فراوانند. کمتر مردی است به پایه خدیجه برسد و هیچ مردی جز پیغمبر صلی‌الله‌وآله و علی علی‌السلام به پایه حضرت زهرا علیها السلام نمی‌رسد. حضرت زهرا علیها السلام بر فرزندان خود که امامند و بر پیغمبران غیر از خاتم الانبیاء برتری دارد.<sup>۲</sup>

در مقایسه‌ای کوتاه بین اسلام و سایر مذاهب و مکاتب درمی‌یابیم که زن در اسلام، ارزش و منزلت والایی دارد. حضرت امام رحمه‌الله در این باره می‌فرماید: آن قدر که اسلام به زن خدمت کرده است، خدا می‌داند که به مرد خدمت نکرده است.<sup>۳</sup>

اگر خداوند این اندازه برای زنان ارزش قائل است برای آن است که صلاح و فساد کشور بستگی به صلاح و فساد خانواده دارد. اگر کانون خانواده، یک محیط آرام و دور از اضطراب و دلهره باشد، زمینه برای رشد و تربیت آینده‌سازان فراهم می‌آید و مسائلی چون طلاق، جار و جنجال، اضطراب و بیماری‌های عصبی و روانی کاهش می‌یابد. البته زنان به دو دسته صالح و ناصالح تقسیم می‌شوند که بین این دو دسته از جهت ارزش و منزلت، فاصله بسیار است؛ چنان که امام صادق علی‌السلام می‌فرماید: «أَلَيْسَ لِلْمَرْأَةِ خَطَرٌ لِّإِلْصَاحِيَّتِهَا وَلَا لِإِطَاعِيَّتِهَا فَأَمَّا صَالِحَتُهَا فَلَيْسَ خَطَرُهَا الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ هِيَ خَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَأَمَّا طَالِحَتُهَا فَلَيْسَ

۱. همان، ص ۹۱.

۲. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۵۰.

۳. زن از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله، ص ۵.

خَطَرُهَا التُّرَابُ التُّرَابُ خَيْرٌ مِنْهَا»<sup>۱</sup>.

یعنی: برای زن، ارزش و هموردی نیست؛ نه برای صالح آنها و نه برای ناصالح آنان. زن خوب ارزشش، با طلا و نقره برابری نمی‌کند بلکه بهتر از طلا و نقره است اما زن بد، خاک نیز قیمت و بهای او نیست بلکه خاک بهتر از اوست.

## ۱۲. توجه دادن به مسئولیت انسان در برابر اعمال خویش

توجهات غیروجهی که از برخی بانوان غیرمتدین شنیده می‌شود (مانند: دلم می‌خواهد؛ آزادم؛ ربطی به دیگران ندارد) مردود است؛ زیرا در هیچ جای دنیا انجام هر کاری بر اساس خواهشهای نفسانی پذیرفته نیست. از آن گذشته، اگر جوان هرزه و لالابالی در برابر زنان همین حرف را بزند، در سایه آزادی این افراد، چه وضعیتی برای اینگونه از بانوان پیش خواهد آمد؟! توجه «ربطی به دیگران ندارد.» هم با فلسفه وجود امر به معروف و نهی از منکر نمی‌سازد؛ زیرا اگر یک یا چند عنصر مخرب به پیکره نظام اسلامی آسیب وارد کنند، وظیفه همگان است تا از سرایت آن آسیب، به جامعه پیشگیری کنند و او را ارشاد و راهنمایی و در صورت عدم پذیرش تنبیه نمایند.

توجهات دیگری چون «این آقا مثل برادرم است.» یا «انسان باید دلش پاک باشد.» نیز پذیرفتنی نیست؛ زیرا در عین این که در یک جامعه اسلامی افراد خواهران و برادران دینی هستند اما باید مسائل مربوط به محرم و نامحرم رعایت شود. رعایت نکردن این امور، آسیب‌های جدی به همراه خواهد داشت.

همچنین این توجه که «این لباسها را به بازار نیاورند تا ما هم نخیریم.» نیز

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۳۳.

نادرست است؛ زیرا صرف وجود این اجناس در بازار، از انسان سلب اختیار نمی‌کند؛ به علاوه، بسیاری از اشیای نامناسب دیگر هم در بازار موجود است که انسان نباید آنها را خریداری نماید.

تفکر «در جوانی مدپرستی و در پیری خداپرستی» هم بطلانش روشن است؛ زیرا خویشتن‌داری انسان از گناهان، در جوانی اجر و پاداش بیشتری دارد. از آن گذشته، چه تضمینی وجود دارد که فرصت توبه به انسان دست دهد. این توجیحات یاد شده از منظر عقل و شرع پذیرفته نیست.

خداوند در کتاب هدایت می‌فرماید:

وَلَا يُؤَدِّنُ لَهُمْ فَيَعْتَدِرُونَ.<sup>۱</sup>

یعنی: در روز قیامت به آنها اجازه داده نمی‌شود تا عذر و بهانه بیاورند.

در آن روز بر دهانها مهر زده می‌شود، اعضا و جوارح سخن می‌گویند<sup>۲</sup> و

تمام اعمال آدمی ثبت و ضبط می‌شود. خداوند می‌فرماید:

إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.<sup>۳</sup>

یعنی: بدرستی که ما تمام رفتار و کردار شما را نسخه‌برداری می‌کردیم.

وقتی انسان، اعمال و رفتار خود را مانند فیلم حاضر ببیند، نمی‌تواند آن را

انکار کند و شرمنده کردار و گفتار خویش خواهد بود. خداوند درباره مشاهده

اعمال انسان در روز جزا می‌فرماید:

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا.<sup>۴</sup>

۱. مرسلات: ۳۶.

۲. یس: ۶۵.

۳. جائیه: ۲۹.

۴. آل عمران: ۳۰.

یعنی: در روز قیامت هر کس آنچه از کار نیک انجام داده حاضر می‌بیند و فرد گنهکار دوست دارد میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد.

گنهکاران با دیدن کارنامه اعمال خود مات و متحیر می‌مانند و می‌گویند:  
 يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا  
 عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا.<sup>۱</sup>

یعنی: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی نیست، مگر این که آن را شماره کرده است.» و همه اعمال خود را حاضر می‌بینند و پروردگارت به احدی ظلم نمی‌کند.

### ۱۳. بازنمایی مصونیت‌ها و فواید حجاب

با بررسی آثار تمدنهای مختلف در می‌یابیم که حجاب از آداب و رسوم دیرینه تمدنهای بشری بوده است. نقوشی که از نیاکان به جا مانده، از احترام به حجاب در بیشتر قومها و ملت‌ها حکایت می‌کند:

در نقشهایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامنی از ایشان نیز به نظر نمی‌رسد.<sup>۲</sup>

قرآن، به زنان مؤمن می‌آموزد که با پیروی از حکم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پوشش‌های بلند (مانند چادر) بر خویش افکنند تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند: «بَا  
 أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلرِّوَاكِك وَبَنَاتِكِ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ»<sup>۳</sup>  
 از مجموع آیات و روایات اسلامی برمی‌آید که زن باید خود را از نامحرم

۱. کهف: ۴۹.

۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲.

۳. احزاب: ۵۹.

پوشیده دارد و از هرگونه رفتار و سخن و لباسی که نظر نامحرم را جلب کند، پرهیزد تا کسانی که در قلبشان طمع وجود دارد، به او تمایل پیدا نکنند. امام باقر علیه السلام در هشدار می‌فرماید: سخن گفتن با زن نامحرم، از دام‌های شیطان است.<sup>۱</sup>

حجاب، سدّی در برابر امیال هوس‌بازان است و باعث روآوری جوانان به ازدواج می‌شود؛ چنان که بی‌حجابی و بی‌عفتی می‌تواند سبب گریز جوانان از ازدواج گردد.

حجاب موجب خشودی خداوند است؛ زیرا زن، با حجاب، جلال خود را حفظ می‌کند و به راستی جمال و جلال زن در حجاب اوست. حجاب وسیله‌ای برای گسستن بندهای اسارت نفس و رهایی از آن است؛ حجاب نشانگر حیا و پاکی روح و روان زنان است و استقلال فرهنگی و دینی یک جامعه را به نمایش می‌گذارد و ایمان و اعتقاد زن را به خداوند نشان می‌دهد.

زن با حجاب، در تیررس هواهای نفسانی ناپاکان نیست؛ در نتیجه محبوب است و محبوب می‌ماند. زنان با حجاب چون مرواریدی در صدف عفافند که با ارزشند و گران‌بها. کوتاه سخن این که زنان با حجاب تنها بنده خداوند و سبب عزّت و سرافرازی خود و خانواده‌شان می‌باشند.

با این وصف، در عصری قرار گرفته‌ایم که در کلام غریبان، عصر برهنگی و آزادی جنسی نام گرفته است. غریبان و غرب‌باوران، بی‌حجابی را جزئی از حقوق آزادی زنان، به حساب می‌آورند. به همین جهت، سخن از حجاب برای آنان ناخوشایند و گاه به مثابه افسانه‌ای متعلق به زمانهای گذشته است.

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۱۳۳.



به راستی کدامین راه برای زنان عزت آفرین و شخصیت آور است: آیا اگر زنان مانند عروسکی بزرگ شده به جامعه بیایند و مردان هرزه به آنان چشم بدوزند و حرمت آنان را پایین آورند و زنان درگیر مسابقه خودنمایی شوند، شخصیت آنان حفظ می شود یا این که حرمت و احترام خود را در محیط خانواده حفظ کنند؟

## فصل ششم: سخنی با زنان و دختران مسلمان

زنان باید با رعایت نکات و آموزه‌های دینی و با حساسیت خاصی در مسیر قرب و تکامل حرکت کنند و از خویشتن‌بانی غافل نمانند. زنان غیرتمند و مؤمن در هر حال، مراقب اعمال و رفتار و گفتار و کردار خویش خواهند بود و همواره نکاتی را در نظر دارند.

### ۱. نحوه سخن گفتن

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا...<sup>۱</sup>

یعنی: به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند بلکه سخن شایسته بگویند....

افزون بر نازک نکردن صدا، زنان باید محتوای کلامشان نیز نیکو باشد و از وارد شدن در هر محاوره‌ای جدا پرهیز کنند. اگر زنان به این آموزه قرآنی، پایبندی نشان دهند، از حوادث و زیان‌های مخاطره‌انگیز به دور خواهند ماند.

در تفسیر نمونه درباره این آیه آمده است:

بلکه به هنگام سخن گفتن، جدی و خشک و به طور معمولی سخن بگویند؛ نه همچون زنان کم شخصیت که سعی دارند با تغییرات تحریک کننده که گاه توأم با ادا و اطوار مخصوصی است و افراد شهوتران را به فکر گناه

۱. احزاب / ۳۳-۳۲.

می‌افکند.<sup>۱</sup>

قرآن مجید، به نحوه سخن گفتن زنان توجه خاصی نموده و به دنبال نهی از خضوع و نرمش کلام، به سخن شایسته دعوتشان می‌کند (وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا).

## ۲. لباس زن در خارج از منزل

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُجَمَّرَ تَوْبَهَا إِذَا خَرَجَتْ [مِنْ بَيْتِهَا].<sup>۲</sup>

یعنی: سزاوار نیست که زن با لباس خوشبو [از خانه] خارج شود.

اسلام، به جمال زنان توجه کرده و زینت و آرایش او را برای همسر بسیار با ارزش شمرده است، اما علاوه بر آن زیبایی را در حفظ عفت و پاکدامنی می‌داند و آن را برای زنان شایسته می‌شمرد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در روایتی، عفت و پاکدامنی را زینت زنان دانسته و می‌فرماید:

الْعَفَافُ زِينَةُ النِّسَاءِ.<sup>۳</sup>

همچنین در روایتی دیگر می‌فرماید:

مَا زَانَ اللَّهُ عَبْدًا بِزِينَةٍ أَفْضَلَ مِنْ عَفَافٍ فِي دِينِهِ وَفَرَجِهِ.<sup>۴</sup>

یعنی: بهترین چیزی که خداوند بنده‌اش را به آن زینت کرده، پاکدامنی در دین و دامن است.

بنابراین، زینت و ارزش یک زن و دختر مسلمان، به تقوا و دیانت اوست و پاکدامنی و متانت او هم از دیانت سرچشمه می‌گیرد. در روایات اسلامی برای بسیاری از نعمتهای الهی، زکات قرار داده شده است؛ برای مثال، زکات علم،

۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۹.

۳. نهج الفصاحه، ج ۲۰۰۸.

۴. همان، ج ۲۶۰۰.

انتشار آن؛ زکات شجاعت، جهاد؛ زکات بدن سالم، روزه گرفتن و زکات زیبایی، نیز پاکدامنی دانسته شده است. روایتی از حضرت امیر علیه السلام گویای این امر است:

زَكَاةُ الْجَمَالِ الْعِفَافُ.<sup>۱</sup>

پیشوایان معصوم علیه السلام پوشش و عفاف و پاکدامنی را همواره مورد عنایت قرار می دادند و زنان مسلمان را به چنین خواسته ای رهنمون می شدند و با قول و فعل و تقریر، رضایت خود را از پوشش متناسب زنان اعلام می داشتند؛ چنان که در روایتی حضرت علی علیه السلام می فرماید:

در روزی تار و بارانی به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در بقیع نشسته بودم که زن سوار بر مرکبی عبور کرد. دست حیوان داخل گودالی افتاد؛ در نتیجه، زن به زمین خورد. پیامبر صلی الله علیه و آله چهره مبارکش را برگرداندند. عرض کردند: ای رسول خدا! آن زن، شلوار پوشیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه بار فرمودند: خدایا! زانی را که از شلوار استفاده می کنند، مورد مغفرت قرار بده! ای مردم! از شلوار استفاده کنید؛ چرا که شلوار پوشاننده ترین لباسهای شما می باشد و با آن، زانتان را هنگامی که از خانه خارج می شوند، حفظ کنید.<sup>۲</sup>

شبیهِ این توصیه را حضرت علی علیه السلام نیز دارند:

عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيِّ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ.

یعنی: بر شما لازم است لباس ضحیم بپوشید؛ زیرا هر کس لباسش نازک است، دینش نیز همچون لباسش نازک و ضعیف است.

۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۲۶.

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۰۸؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۹ و ج ۵، ص ۲۹.

### ۳. کفش زنان مسلمان

در صدر اسلام، زنان عرب به پای خود خلخال می‌بستند که در موقع راه رفتن سر و صدای زیادی از آن برمی‌خاست و نظر مردان نامحرم را جلب می‌کرد. به همین جهت، خداوند بانوان را از این کار، که باعث تحریک بیگانه می‌شد، برحذر داشته و در کریمه قرآنی فرموده‌اند:

وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ<sup>۱</sup>

یعنی: هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان معلوم شود و صدای خلخالی که برپا دارند، به گوش رسد.

در ادامه آن، آمده است:

وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

یعنی: همه به سوی خدا بازگشت کنید! باشد که رستگار گردید.

فاضل مقداد، در **کنز العرفان** می‌گوید:

برخی از زنان عرب، خلخال به پا می‌کردند و برای این که بفهمانند خلخال به پا دارند، پای خود را محکم بر زمین می‌کوفتند و آیه، آنان را از این عمل، نهی می‌کند.<sup>۲</sup>

بدین سان آیه از هر گونه راه رفتن که زمینه توجه مردان را ایجاد کند، نهی می‌کند لام تعلیل (لِيُعْلَمَ)، دلالت دارد که علت کوبیدن پا به زمین، اعلام زینت می‌باشد؛ خواه قصد اعلام زینت وجود داشته باشد یا نداشته باشد.<sup>۳</sup>

مفسران با توجه به شأن نزول، سیاق و محتوا و آهنگ آیه، قاعده کلی و ضابطه عامی داده‌اند که نهی از کوبیدن پا بر زمین، بیانگر نهی از هر چیزی است

۱. نور: ۳۱.

۲. فاضل مقداد، **کنز العرفان**، ج ۲، ص ۲۲۴.

۳. رک: وهبه زحیلی، **التفسیر المنیر**، ج ۱۸، ص ۲۲۱.

که توجه نامحرم را جلب کند و نگاه‌ها را برانگیزد و زمینه فساد ایجاد کند. توجه به این آیه، سختگیری اسلام را در مورد حفظ عفت عمومی نشان می‌دهد. امروزه هم زنان بر اساس این آموزه قرآنی، باید از پوشیدن کفش‌های پاشنه بلند صدادار که توجه دیگران را به آنان جلب می‌کند، پرهیزند. افزون بر این که پوشیدن چنین کفشهایی علاوه بر ایجاد صدا که توجه نامحرم را به سوی آنان جلب می‌کند، در نوع راه رفتن زنان نیز تغییراتی ایجاد می‌کند و سنگینی در راه رفتن را از آنان می‌گیرد و ناخواسته حرکات بدنی نامناسبی را موجب می‌شود.

#### ۴. پاسداری از دیدگان خود و نگاه دیگران

خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ<sup>۱</sup>

یعنی: ای رسول! به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را فرو گیرند و از نگاه کردن به مردان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را حفظ نمایند.

اساساً بسیاری از گناهان در نتیجه نگاه است و نگاه، تیری از تیرهای شیطان و وسیله‌ای برای انحراف و گمراهی است. وظیفه هر زن مسلمان این است که از حرکات تحریک‌زا پرهیزد و تا آنجا که می‌تواند از مواجهه و رویارویی غیرضروری با نامحرم دوری کند. زنان و مردانی که در نهادها و ادارات و کارخانه‌ها و مؤسسات خصوصی و دولتی به کار مشغولند باید دقت بیشتری به این امور داشته باشند.

از این آیه استفاده می‌شود که چشم‌چرانی بر زنان نیز حرام است. حضرت

۱. نور: ۳۱.

علی علیه السلام می‌فرمایند:

بهترین ویژگی زنان، بدترین خصلتهای مردان است مانند کبر، ترس و بخل؛ زیرا اگر زن در برابر بیگانگان متکبر باشد، رام نخواهد شد و چنانچه بخیل باشد مال خود و شوهر را حفظ می‌کند و با صفت ترس، از هر چیزی واهمه دارد.<sup>۱</sup>

---

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۲۳۴.

## فرجام سخن

مردان با غیرت و زنان با آزر و حیا باید از عفت عمومی پاسداری کنند. در حقیقت، عفت و پاک‌دامنی همانند پرده‌ای است که دو پرده دیگر؛ یعنی حجاب و حیا از آن محافظت می‌کنند. اگر زن در مسیر انحراف گام بردارد، ابتدا از حیای زن کاسته می‌شود. سپس حجاب او سست می‌گردد و آن‌گاه بی‌عفتی دامن‌گیرش می‌شود. در حدیث آمده است: «سَبَّ الْعِفَّةِ الْحَيَاءُ؛ پیش در آمد عفت و پاک‌دامنی، داشتن حیاست».<sup>۱</sup> عفت در روایات از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را بهترین رفتار شمرده‌اند. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ؛ خداوند به چیزی والاتر از پاک‌دامنی شکم و شهوت عبادت نشده است».<sup>۲</sup>

هویت و شخصیت خانواده در گرو پاک‌دامنی و عفت است. خداوند در این باره می‌فرماید: «وَلَيْسَتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ آنان که راهی برای ازدواج نمی‌یابند، عفاف و پاک‌دامنی پیشه‌سازند تا خداوند از فضل و رحمت خویش، آنان را بی‌نیاز گرداند.» (نور: ۳۴) جامعه سالم در دامان مادران پاک‌دامن و عقیف شکل می‌گیرد، چنان‌که در حدیث آمده است: «طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَقِيفَةً؛

۱. غررالحکم، ص ۲۵۷، ح ۵۴۴۴.

۲. کافی، ج ۲، ص ۷۹.



خوشا به سعادت کسی که مادرش عقیف و پاک‌دامن باشد.<sup>۱</sup>

زنان پاک‌دامن حتی در نگاه مردان بی‌بندوبار و چشم‌چران نیز مورد احترام هستند و این، رمز تأکید بر عفت و پاک‌دامنی زن است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

عفت در زن، وسیله‌ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران حتی در چشم خود مردان شهوت‌ران و بی‌بندوبار است. عفاف مخصوص زنان نیست. مردان نیز بایستی عقیف باشند منتها چون در جامعه، مرد به‌خاطر قدرت جسمانی می‌تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است.<sup>۲</sup>

حیا، سرچشمه عفاف است و در روایت آمده است حیا هر جا باشد، به آن بها و قیمت می‌بخشد و فحش و ناسزاگویی هر کجا جای گیرد، آنجا را از اعتبار و هستی ساقط می‌کند.<sup>۳</sup>

زن مسلمان با رفتاری متناسب و متین، زمینه گسترش عفت را فراهم می‌آورد. نباید تنها به پوشش ظاهری بسنده کرد، بلکه باید به ملکه تقوای درونی توجه شود؛ زیرا پوشش بدون اعتقاد درونی، همچون کالبدی بی‌روح است. پوشش، امنیت به همراه دارد و عامل مهمی برای آزادی زنان است، نه اسارت آنان. اسلام با طرح پوشش مناسب، جواز حضور زنان را در اجتماع فراهم آورده است. حضور زن در اجتماع باید با وقار و متانت آمیخته بوده و از هیجان‌انگیزی و ایجاد زمینه‌های فساد به دور باشد. زن نباید به گونه‌ای گام بردارد که زینت‌هایش

۱. بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۱۵.

۲. امیرحسین بانکی پورقره، آئینه زن مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری، ص ۱۵۰.

۳. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۱۱.

آشکارا شود و مردان را به سوی خود جلب کند.

اسلام برای سلامت جامعه و جلوگیری از ایجاد زمینه‌های فساد، برای حضور زن در اجتماع، شرایطی قائل شده است. وقار در سخن گفتن و سلامت نفس از آن شرایط است. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله رسیده است: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ لِعَيْرِ زَوْجِهَا ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلْعَنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ؛ هرگاه زنی برای غیر شوهرش خود را معطر کند و از خانه‌اش خارج شود، تا زمانی که به خانه برمی‌گردد، لعنت می‌شود.»<sup>۱</sup> همچنین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ فِي النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ؛ خداوند، مردهایی را که شبیه زنان شوند و زن‌هایی را که شبیه مردان شوند، لعن کرده است.»<sup>۲</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۸.

## فهرست منابع

۱. آمدی، عبدالواحد، **غررالحکم و دررالکلم**، قم، انتشارات امام عصر (عج)، ۱۳۸۰.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۴.
۳. الجزری، عزالدین ابن الاثیر، **اسدالغابه فی معرفه الصحابه**، بی جا، دارالشعب، بی تا.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، **من لایحضره الفقیه**، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۵. **ترجمه شرح نهج البلاغه ابن هیثم**، ترجمه: قربانعلی محمدی مقدم، علی اصغر نوایی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چ اول، ۱۳۷۵.
۶. حداد عادل، غلامعلی، **فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی**، تهران، سروش، ۱۳۵۹.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، تهران، کتابچی، ۱۳۷۱.
۸. خواجه عبدالله انصاری، **مجموعه رسائل فارسی**، به کوشش محمد سرور مولایی، انتشارات توس، تهران، چ دوم، ۱۳۷۷.
۹. خوانساری، جمال الدین محمد، **شرح غرر و دررآمدی**، تحقیق: محدث ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
۱۰. دورانت، ویلیام جیمز، **تاریخ تمدن**، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۱۲. رشیدالدین فضل الله میبیدی، **کشف الاسرار**، به کوشش علی اصغر حکمت، انتشارات امیرکبیر، چ سوم، ۱۳۶۱.
۱۳. فتاحی زاده، فتحیه، **حجاب از دیدگاه قرآن و سنت**، قم، بوستان کتاب، بی تا.
۱۴. فنایی اشکوری، محمد، **منزلت زن در اندیشه اسلامی**، قم، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۷.

۱۵. قشیری، ابوالقاسم، **ترجمه رساله قشیریه**، به کوشش بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی تهران، چ چهارم، ۱۳۷۴.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، تهران، انتشارات علمی اسلامیه، بی تا
۱۷. کمالی، علی، **قرآن و مقام زن**، تهران، امیری، ۱۳۷۳.
۱۸. متقی، علی بن حسام‌الدین، **کنز العمال**، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۷۲.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت، دارالرضا، ۱۳۷۷.
۲۰. \_\_\_\_\_، **مرآة العقول**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، قم، دارالحديث، ۱۳۷۴.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، **آموزش عقاید**، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۳. مطهری، مرتضی، **مسأله حجاب**، قم، صدرا، ۱۳۷۰.
۲۴. مغازی، محمد بن عمر واقدی، **تاریخ جنگ‌های پیامبر**، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
۲۵. مفضل بن عمر، **توحید مفضل**، ترجمه: علامه مجلسی، تهران، کعبه، ۱۳۶۲.
۲۶. منتسکیو، **روح القوانين**، ترجمه: علی اکبر مهتدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۲۷. نوری، حسین بن محمد تقی، **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۳۶۶.
۲۸. واقدی، کاتب، **طبقات**، ترجمه: دکتر محمد مهدوی دامغانی، انتشارات فرهنگ و اندیشه، تهران، چ اول، ۱۳۷۴.
۲۹. ورام، مسعود بن عیسی، **مجموعه ورام**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵.